

## مفهوم‌شناسی و ارزیابی «فقر اقتصادی» به عنوان زمینه‌ساز

### تهدید امنیت اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران<sup>۱</sup>

اله مراد سیف<sup>۲</sup>

مجتبی ملکی شهرپور<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۳/۱۸

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۵/۲۶

فصلنامه آفاق امنیت / سال هشتم / شماره بیست و هفتم - تابستان ۱۳۹۴

#### چکیده

از جمله مسائل مهم در جمهوری اسلامی ایران داشتن تعریفی روشن از فقر اقتصادی و مشخص کردن ابعاد و شاخص‌های قابل سنجش آن است؛ به‌گونه‌ای که بر آن اساس بتوان وضعیت و عملکرد مدیریت اقتصادی کشور را در زمینه گسترش عدالت و رفع فقر مورد ارزیابی قرار داد. مروری بر ادبیات نظری نشان داد که افزایش فقر، امنیت اجتماعی را از طریق جنبش‌های اجتماعی، خشونت، قانون‌گریزی، تروریسم و مواد مخدر با تهدیدهایی جدی مواجه می‌سازد. هم‌چنین در این تحقیق ضمن شاخص‌سازی فقر اقتصادی از طریق خط فقر مطلق (معادل ریالی ۲ دلار در هر روز برای هر نفر)، شاخص مذکور برای خانوارهای شهری جمهوری اسلامی ایران در سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۱ اندازه‌گیری شده است. مقایسه مجموع متوسط هزینه‌های سالانه خوراکی و غیرخوراکی هر نفر در هر دهک هزینه‌ای خانوارهای شهری با خط فقر مذکور مبنای فقیر و غیرفقیر بودن آن دهک هزینه‌ای است. در این تحقیق درصد به‌دست‌آمده به عنوان شاخص فقر مورد استفاده قرار گرفته است. یافته‌های این بررسی در خصوص سنجش شاخص فقر به ویژه در سال‌های بین ۱۳۷۴-۱۳۷۱ که شاخص فقر شهری افزایش پیدا کرد و هم‌زمان پدیده‌هایی کم‌سابقه از واکنش‌های دسته‌جمعی و روندهای فزاینده ناهنجاری‌های اجتماعی و عصیان‌های شبه‌شورشی در مناطقی از کشور، دولت‌سازندگی را در لاک امنیتی شدیدی فرو برده بود، نشان از قابل اعتماد بودن شاخص سنجیده‌شده دارد. هم‌چنین یافته‌های این بررسی نشان می‌دهد برنامه‌های توسعه کشور در سال‌های پس از پیروزی انقلاب، اجرای برنامه‌های توسعه و کاهش فقر اقتصادی را در مناطق شهری به دنبال داشته است.

#### واژگان کلیدی

تهدید امنیت اجتماعی، فقر اقتصادی، مناطق شهری، گروه هزینه‌ای، دهک هزینه‌ای

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری می باشد که در دانشگاه جامع امام حسین(ع) دفاع گردیده است.

۲. دکتری اقتصاد، دانشیار دانشگاه جامع امام حسین(ع)

۳. دکتری اقتصاد، پژوهشگر دانشگاه جامع امام حسین(ع)



## مقدمه

امروزه تهدیدهایی که از جانب آسیب‌پذیری‌های اقتصادی به وجود می‌آیند کاملاً واقعی و حیاتی تلقی می‌شوند؛ در واقع ثبات سیاسی و امنیت ملی کشورها تا حدود زیادی به حفظ مردم در مقابل حوادث و مخاطرات اقتصادی وابسته است.

بی‌تردید فشارها و تنگناهای اقتصادی ممکن است به تنش‌های اجتماعی درون کشورها دامن بزند و ثبات سیاسی و امنیتی آنها را تحت تأثیر قرار دهد. معضلات اقتصادی مانند فقر، بیکاری، شکاف طبقاتی، فساد و تبعیض متغیرهایی هستند که بر امنیت اجتماعی تأثیرگذارند. پیامدهای نامطلوب نابرابری درآمدی و فقر چنان متنوع، گسترده، تأثیرگذار و دربرگیرنده غالب بخش‌های عملکردی جامعه‌اند که در حالت حد و بحرانی، اساس نظام اجتماعی و دستگاه‌های حکومتی و اجرایی آن را آماج خود قرار می‌دهند.

نظریات و مطالعات تجربی فراوانی در تأیید این مسئله وجود دارد که عوامل ماهیت اقتصادی نظیر فقر، نابرابری، بیکاری، فساد و تورم ممکن است موجب شورش، جنگ داخلی، نارضایتی عمومی و وقوع انقلاب‌های اجتماعی شوند و به کاهش ضریب امنیت ملی و تهدید نظام سیاسی کشورها بینجامند. در این فرایند، دشمن نیز عملاً می‌تواند با ناتوان نشان دادن حکومتی که بر اقیانوسی از نفت نشسته اما قدرت زدودن آثار فقر را ندارد، باعث تضعیف تصور شهروندان از توان و کارآمدی حکومت شود. هم‌چنین ضعف‌ها و مشکلات اقتصادی ممکن است سبب تضعیف بنیه دفاعی کشور و تضعیف امنیت ملی از این طریق شوند. تنها جامعه‌ای مولد، دارای رشد اقتصادی و دور از فقر می‌تواند برای دفاع از خود و استقرار امنیت در سطح اجتماعی و ملی آمادگی لازم را داشته باشد. به همین علت یکی از ابعاد اصلی و انکارناپذیر تأمین امنیت اجتماعی بشر در قالب نیازهایی تعریف می‌شود که زیربنای اصلی آنها اقتصاد است تا دغدغه احساسی افراد برای برقراری آرامش و امنیت حل شود (شهبازی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۷). بنابراین پرداختن به این موضوعات از جمله فقر می‌تواند از حساسیت خاصی برخوردار باشد.

بخش مهمی از حساسیت‌های یادشده مربوط به آن است که به تعبیری فقر بزرگ‌ترین موضوع اخلاقی جهان و بزرگ‌ترین تهدید برای امنیت جهان و ثبات زمین است (تشکر، ۱۳۸۳: ۱۵۹). فقر مسئله و مفهوم اقتصادی یا اجتماعی صرف نیست، بلکه مسئله‌ای با ابعاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و جمعیتی



است. جنبه‌های مختلف فقر بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و یکدیگر را بازتولید و تقویت می‌کنند؛ به همین دلیل در مطالعات فقر، از دایره بسته زندگی فقیرانه سخن به میان می‌آید. فقر ضمن آنکه یک وضعیت است، یک پروسه یا فرایند هم به شمار می‌رود؛ هم علت است و هم اثر. بسیاری از مسائل امروز مانند جنگ، تضادهای قومی و ملی، مهاجرت‌های دسته‌جمعی، مشکلات زیست‌محیطی، جرایم و ... ریشه در فقر و نابرابری دارند؛ بنابراین فرایندهای علیّ یکسان فقر می‌توانند به نمودهای مختلفی از فقر بینجامند یا بالعکس علل مختلف فقر می‌توانند به نمود واحدی از فقر منجر شوند (تشکر، ۱۳۸۳: ۱۶۱-۱۶۰).

مرور اسناد بالادستی و فرمایشات حضرت امام و مقام معظم رهبری در زمینه لزوم برخورد با فقر در جمهوری اسلامی ایران موارد مهمی را آشکار می‌سازد. در بند ۱۲ اصل سوم قانون اساسی به پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه طبق ضوابط اسلامی برای ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف کردن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه تصریح شده است (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل سوم). در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران از جمله اهداف اقتصادی تأمین نیازهای اساسی مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه، تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کار هستند ولی وسایل کار ندارند، دستیابی به توزیع مناسب درآمد و رفع فقر، افزایش قدرت خرید گروه‌های کم‌درآمد و محروم و مستضعف و کاهش فاصله بین دهک‌های بالا و پایین درآمدی جامعه و اجرای سیاست‌های مناسب جبرانی بیان شده است (چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی).

حضرت امام(ره) تأکید دارند: «محرومیت‌زدایی عقیده و راه و رسم زندگی ماست. همه آرمان و آرزوی ملت و دولت و مسئولین کشور ماست که روزی فقر و تهیدستی در جامعه ما رخت بریندد» (صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۲۹). مقام معظم رهبری (مدظله) اشاره دارند: «آنچه امروز برای این ملت اهمیت دارد، این است که مسئولان کشور با همه قدرت و توان، شاخص‌های اصلی را برای اصلاح امور کشور در نظر بگیرند؛ همان سه شاخص عمده‌ای که گفته شد: مبارزه با فقر، مبارزه با فساد، مبارزه با تبعیض. این اساس قضیه است» (بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم، ۱۳۷۹/۰۷/۱۴). «اگر با فقر و فساد و تبعیض در کشور مبارزه شود، اصلاحات به معنای حقیقی اصلاحات



انقلابی و اسلامی تحقق پیدا خواهد کرد. مشکلات ما از این سه پایه شوم و از این سه عنصر مخرب است. ناامنی هم که داریم، به خاطر همین است. بسیاری از ناامنی‌ها به خاطر فقر است و بسیاری به خاطر فساد است» (بیانات در جمع مردم استان اردبیل، ۱۳۷۹/۰۵/۰۳). «اساس اصلاحات این است که ما با فقر و فساد و تبعیض مبارزه کنیم. هر اصلاحاتی - اگر واقعاً اصلاحات باشد- بر محور این می‌چرخد. بدترین فسادها در جامعه، رواج فقر و افزایش شکاف بین فقیر و غنی است» (بیانات در جمع مردم استان اردبیل، ۱۳۷۹/۰۵/۰۳).

با توجه به موارد مذکور، آشکار می‌شود که از جمله دغدغه‌های اصلی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران اجرای عدالت و رفع فقر منطبق با ارزش‌های اسلامی است. در ایران با وجود اینکه پژوهش‌های زیادی در خصوص ارائه شاخص‌هایی برای فقر اقتصادی انجام گرفته، ولی هر کدام از این شاخص‌ها برای سال‌هایی محدود تهیه شده و فقدان شاخصی که با روشی خاص برای سال‌های پس از انقلاب تهیه شده باشد، احساس می‌شود. این پژوهش با واکاوی ادبیات فقر، شاخصی برای اندازه‌گیری فقر ارائه می‌کند که بتوان نتیجه عملکردها و سیاست‌های کشور در این زمینه را مورد ارزیابی قرار داد. سؤال محوری مقاله آن است که عملکرد جمهوری اسلامی ایران به عنوان داعیه‌دار عدالت در مقابله با پدیده فقر در جمهوری اسلامی ایران چگونه بوده است؟ این تحقیق از نوع موردی زمینه‌ای بوده و دوره زمانی آن ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۱ است.

## ۱. ادبیات موضوع

### الف) پیشینه مفهوم فقر<sup>۱</sup>

واژه «پاوره»<sup>۲</sup> (فقر) برگرفته از واژه پایپر<sup>۳</sup> است که با کلمات یونانی پایکاس<sup>۴</sup> و پنس<sup>۵</sup> (فقیر) قرابت دارد و با پنیا<sup>۶</sup> (فقر، گرسنه) هم‌خانواده است. هم‌چنین «فقر» را در زبان یونانی با واژه اپوریا<sup>۷</sup> (راه به جایی نداشتن، مشکلی که فقیر با آن دست‌به‌گریبان است) تعریف می‌کنند (هانری، ۱۳۷۴: ۸۰). در فرهنگ معین فقر به معنای تهیدستی

- 1 . Poverty
- 2 . Pauvre
- 3 . Pauper
- 4 . Paucas
- 5 . Pènes
- 6 . Pènia
- 7 . Aporia



و تنگدستی و فقیر به معنی تهیدست، تنگدست و در فرهنگ دهخدا فقر به معنای درویشی، خلاف غنی و اندوه و فقیر به معنی آن که بسیار محتاج است و هیچ چیز ندارد، آمده است. در فرهنگ لاروس فرانسه واژه فقیر به مفهوم کسی است که منابع، اموال و پول کمی در اختیار دارد یا فردی که تولید کم و ناکافی داشته باشد.

طبق تعریف فرهنگ دانشجویی میریام- وبستر، فقر به وضعیت فردی گفته می‌شود که فاقد مقدار پول یا مایملک مادی معمولی یا به لحاظ اجتماعی، مقبول است (کانبور و اسکوایر، ۱۳۸۲: ۲۲۶). در بسیاری از فرهنگ‌های لغت فقر را به معنی تکاپو نداشتن برای کسب ضروریات زندگی تعریف کرده‌اند. از دید سازمان ملل متحد، اساساً فقر، محرومیت از انتخاب‌ها و فرصت‌ها و نقض کرامت انسانی است. این به معنای فقدان ظرفیت‌های اساسی برای مشارکت مؤثر در جامعه است. منظور از فقر دسترسی نداشتن به تغذیه و پوشاک به اندازه کافی خانواده، نداشتن یک مدرسه یا درمانگاه، نداشتن زمین برای رشد مواد غذایی یا کار برای گذراندن زندگی فرد یا دسترسی نداشتن به وام نیست، بلکه به معنای ناامنی، ناتوانی و محرومیت افراد، خانواده‌ها و عموم است. فقر به معنی آمادگی برای خشونت است و اغلب دلالت بر زندگی در محیط‌های حاشیه‌ای یا شکننده دارد، بدون دسترسی به آب یا فاضلاب بهداشتی.

براساس تعریف بانک جهانی، فقر محرومیت ضمنی و رسمی از رفاه و شامل بسیاری از ابعاد مثل درآمد پایین و ناتوانی برای به دست آوردن کالاهای اساسی و خدمات لازم برای بقای باعزت است. فقر شامل پایین بودن سطح بهداشت و درمان و آموزش، دسترسی ضعیف به آب سالم و بهداشت، امنیت فیزیکی ناکافی، فقدان اعتراض و ظرفیت و فرصت‌های ناکافی برای زندگی بهتر است.

تعریف فقر همگام با نیازهای عصر خود در تحول بوده است و مسائلی مانند شکاف درآمدی، رژیم غذایی، بهداشت، آموزش، توانمندی و ... را در تعریف خود گنجانده است. تعاریف اولیه فقر بیشتر روی فقر درآمدی معطوف بوده‌اند. «تانسند» فقر را این‌گونه تعریف می‌کند: «افراد، خانواده‌ها و گروه‌های جمعیتی را زمانی می‌توان فقیر به حساب آورد که با فقدان منابع برای کسب انواع رژیم غذایی، مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و شرایط و امکانات معمول زندگی مواجه باشند» (خداداد کاشی و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۴۰).

تعریفی که از فقر می‌شود نقش مهمی در اتخاذ سیاست‌های مبارزه با فقر دارد. اگر تعریف ما از فقر، فقر به مثابه محرومیت از درآمد باشد، فقیر کسی است که از تأمین



درآمد ناتوان است و تمرکز ما بیشتر روی مسائل شکاف درآمدی و رفع این شکاف خواهد بود و به احتمال قوی سیاست‌های حمایتی بیشتری مد نظر قرار می‌گیرد و نگرش ما کوتاه‌مدت می‌شود. ولی اگر فقر را فقر به مثابه محرومیت از قابلیت تعریف کنیم، فقیر کسی است که ناتوان از خروج از وضعیت فقر است و تمرکز ما روی شکاف قابلیت و توانمندی افراد خواهد بود. در این حالت سیاست‌هایی مد نظر قرار می‌گیرند که معطوف رشد قابلیت‌های فردی و توانمندسازی افراد است. در این صورت نگرش ما بلندمدت است و محدوده فقر در نگاه ما وسیع‌تر می‌شود. بر این اساس تفکر و برداشت ما از فقر مهم جلوه می‌کند و به نظر می‌رسد برای مبارزه با فقر مهم‌ترین مرحله، اصلاح نگرش در مورد مسئله فقر است.

با توجه به گزارش‌های نوبه‌ای توسعه جهانی بانک جهانی و هم‌چنین سیر تطور تفکر درباره فقر و تعریف ارائه‌شده از «سن» در مورد فقر مبتنی بر محرومیت از قابلیت که در سطحی گسترده مورد پذیرش اقتصاددانان است، می‌توان به ابعاد مختلف فقر اشاره کرد. از دیدگاه سن، توسعه زمانی اتفاق می‌افتد که قابلیت‌های انسان شکوفا و به عملکرد تبدیل شود. برای مثال، سواد یک قابلیت و خواندن یک عملکرد است و برای رسیدن به توسعه، باید مانعی در مسیر تبدیل سواد به خواندن یا قابلیت به عملکرد وجود نداشته باشد. وجود موانع و فقدان آزادی در این مسیر نشانه فقر و داشتن آزادی به مثابه توسعه خواهد بود. بنابراین فقر را می‌توان در پنج بعد فقر مادی، فقر سیاسی، فقر اجتماعی، فقر اطلاعات و فقر حمایت در این تعریف شناسایی کرد که آزادی افراد را برای شکوفا شدن قابلیت‌هایشان محدود می‌کند (براتی، ۱۳۹۰).

#### ب) پیشینه شاخص‌سازی و روش‌های تعیین فقر

برای اندازه‌گیری فقر چهار دلیل وجود دارد (بانک جهانی، ۲۰۰۵):

۱. راولیون (۱۹۹۸) معتقد است اندازه‌گیری فقر می‌تواند ابزاری قدرتمند برای تمرکز توجه سیاست‌گذاران در شرایط زندگی فقرا باشد.
۲. برای اینکه در داخل کشور و سراسر جهان دخالت‌ها برای مبارزه با فقر هدفمند باشد، نیاز به اندازه‌گیری فقر است؛ زیرا بدون حداقل شناخت از اینکه چه کسانی فقیر هستند، هدف مبارزه تحقق نمی‌یابد. شناخت مشخصات فقر و فقرا هم‌چنین نابرابری و الگوی جغرافیایی فقر (منطقه شهری/روستایی، کوه/دشت و غیره) و سایر ویژگی‌های جامعه فقرا برای نیل به هدف مذکور و ارزشمند است که با اندازه‌گیری فقر میسر



است، هرچند به طور معمول با استفاده از تکنیک‌های نسبتاً ساده مانند جدول‌ها و نمودارها تهیه شده باشد.

۳. به طور کلی دلیل سوم برای اندازه‌گیری فقر این است که قادر به پیش‌بینی آثار و پس از آن ارزیابی سیاست‌ها و برنامه‌های طراحی‌شده برای کمک به فقرا باشیم.

۴. میزان موفقیت نهادهای بین‌المللی هم‌چون بانک جهانی در دستیابی به هدف مبارزه با فقر تنها زمانی می‌تواند مورد قضاوت قرار گیرد که اندازه‌گیری مناسبی از فقر وجود داشته باشد.

درباره شاخص‌های فقر در جهان پژوهش‌های بسیاری انجام شده است. مهم‌ترین کار انجام‌شده شاخص‌های پیوست شاخص توسعه انسانی درباره فقر است که در گزارش‌های سالانه سازمان ملل و سازمان کشورهای توسعه‌یافته با نام «گزارش توسعه انسانی» آورده می‌شود و کشورهای مختلف جهان بر اساس آن رتبه‌بندی می‌شوند. بر اساس گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۱۰، شاخص فقر چندبعدی در سه بعد سلامت، آموزش و استانداردهای زندگی در ده شاخص تغذیه، مرگ و میر کودکان، سال‌های رفتن به مدرسه، کودکان ثبت‌نام‌کرده در مدارس، سوخت برای پخت و پز، توالت بهداشتی، آب بهداشتی، برق، طبقه و دارایی منعکس می‌شود. با وجود این، بررسی‌هایی در ایران در زمینه شاخص‌های سنجش فقر انجام شده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

درباره اندازه‌گیری شاخص فقر در ایران مطالعات متعددی انجام گرفته است؛ چه با تعریف خط فقر و چه تعریف شکاف درآمدی و چه شاخص‌های پیچیده‌تر که از شاخص سن شروع می‌شود و برخی با تابع رفاه اجتماعی سروکار دارند.

عظیمی (۱۳۷۱) مطالعه و بررسی موضوع فقر و محرومیت را یکی از مسائل پیچیده اقتصادی می‌داند و بیان می‌کند که پایین بودن تولید سرانه و عدم توزیع عادلانه آن، به عنوان دو عامل اصلی فقر در تمام مطالعات کلان اقتصادی تأکید شده است. وی تولید با ابزارهای ماقبل دوران انقلاب صنعتی را عامل اصلی پایین بودن تولید در کشورهای جهان سوم می‌داند و حجم فقر و محرومیت در ایران را در سال ۱۳۶۷، حدود سه میلیون خانوار (۱۵ میلیون نفر) برآورد می‌کند.

هادی زنون (۱۳۸۴) در مقاله خود با عنوان «فقر و نابرابری درآمد در ایران»، بدون اینکه خود شاخص جدیدی برای سنجش فقر و نابرابری درآمد به دست آورده باشد، با استفاده از شاخص بین‌المللی فقر که افرادی را که درآمد روزانه آنها کمتر از ۲ دلار



است، فقیر می‌شناسد و هم‌چنین ضریب جینی و نسبت هزینه‌های خانوار دو دهک بالای درآمد به دو دهک پایین درآمد برای سنجش نابرابری اقتصادی، سیاست‌های دولت در زمینه مبارزه با فقر و نابرابری و سنجش ظرفیت‌های نهادی موجود در کشور را برای اجرای برنامه‌های فقرزدایی مورد ارزیابی قرار می‌دهد و نتیجه می‌گیرد که در زمینه فقر مطلق و نابرابری در توزیع درآمد در دوره بعد از انقلاب بهبودهایی صورت گرفته است.

جلالی (۱۳۸۷) در مطالعه‌ای با عنوان بررسی و برآورد ضریب جینی در ایران، شاخص ضریب جینی تعمیم‌یافته را برای تفسیر نابرابری توزیع درآمد در ایران معرفی می‌کند. وی با تجزیه ضریب جینی بر مبنای اجزای تشکیل‌دهنده درآمد (هزینه) و نیز تجزیه بر اساس گروه‌های جمعیتی، به ارائه روشی برای محاسبه کشش درآمدی ضریب جینی می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد که شیوه ارائه‌شده به درک بهتری از توزیع درآمد در طول زمان می‌انجامد.

رئیس دانا (۱۳۸۴) در مقاله «اندازه‌گیری شاخص و پویای فقر در ایران»، با ضعیف خواندن روش‌های ساده اندازه‌گیری فقر، اصول نه‌گانه‌ای را که برای یک شاخص مفیدند، معرفی و سپس با ارائه چند شاخص سن و چند شاخص کاکوانی، شاخص‌های تاکایاما و دیگران و اصول ویژه آنها به ارزیابی نظری آنها می‌پردازد. وی سپس برای بررسی وضعیت فقر و توزیع درآمد در ایران شاخصی را که عبارت است از میانگین هندسی شاخص سوم کاکوانی و شاخص اول سن، معرفی می‌کند و نتیجه می‌گیرد که این شاخص بالا و نامناسب با درآمدهای اقتصادی در ایران است.

محمودی و صمیمی فر (۱۳۸۴) در مطالعه خود با عنوان «فقر قابلیت»، شاخص‌های رایج سنجش فقر را مبتنی بر رویکرد «درآمدمحور» می‌نامند که بالطبع راهکارهای مقابله با آن هم مبتنی بر عنصری به نام درآمد خواهد بود. آنها استدلال می‌کنند که این رویکرد نواقص و نارسایی‌هایی دارد. سپس با تعریف فقر با واژه «فقر قابلیت» به مثابه محرومیت از قابلیت، ملهم از اندیشه آمارتیاسن، زوایای افتراق و تمایز دو رویکرد در تعاریف و روش‌های اندازه‌گیری فقر و تأثیر آنها در سایر تحلیل‌ها و سیاست‌های اقتصادی را مورد بررسی قرار می‌دهند که جدول ۱ نتیجه تفاوت دو رویکرد است:





جدول ۱- تفاوت تعریف فقر در رویکرد فقر درآمدی و فقر قابلیت

فقر درآمدی	فقر قابلیت	
فقر به مثابه محرومیت از درآمد	فقر به مثابه محرومیت از قابلیت	تعریف فقر
ناتوان از تأمین درآمد	ناتوان از خروج از وضعیت فقر	فقیر
شکاف درآمدی	شکاف قابلیت	معیار فقر
سیاست‌های حمایتی	رشد قابلیت فردی- توانمندسازی	مبارزه با فقر
کوتاه‌مدت	بلندمدت	رفع فقر
درآمد ناکافی	درآمد کم، بهداشت کم، سواد کم	محدوده فقر
رساندن حق به فرد	رسیدن فرد به حق	هدف
فقر زودگذر	فقر مزمن	جامعه هدف

صادقی و همکاران (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «رویکردی نو به برآورد شاخص رفاه در ایران» با استفاده از منطق فازی طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۵۳، با بیان اینکه رشد اقتصادی یا افزایش متغیرهای کمی اقتصادی مانند تولید ناخالص داخلی و درآمد سرانه که در آغاز نشانه توسعه و رفاه به شمار می‌آید، با ایجاد شکاف بیشتر میان کشورهای غنی و سایر کشورها، به عنوان تنها عامل مؤثر در رفاه مورد تردید واقع شده و چگونگی توزیع منافع از رشد اقتصادی و مباحث دیگر مربوط به عدالت اجتماعی، ابعاد دیگری از رفاه و توسعه را مطرح کرده است، برای تخمین رفاه و مشخص کردن روند آن طی سال‌های ۱۳۵۳ تا ۱۳۸۵ در ایران، از نرم‌افزار مطلب (MATLAB) و دو شاخص درآمد سرانه و توزیع درآمد برای تخمین رفاه با کمک منطق فازی استفاده کردند. نتایج این بررسی که با توجه به دیدگاه سن در مورد رفاه استخراج شده است، نشان می‌دهد به‌رغم نوسانات فراوان، روند رفاه در کشور طی دوره مورد بررسی صعودی بوده و مقدار ماکزیمم و مینیمم این روند طی سال‌های ۱۳۵۴ و ۱۳۸۴ رخ داده که به ترتیب برابر ۰/۷۱۵ و ۰/۴۲۱ بوده است. سایر مطالعات انجام‌گرفته در زمینه شاخص‌های فقر در جدول ذیل آمده است:

جدول ۲- نمونه‌هایی از مطالعات تجربی انجام‌شده در زمینه شاخص‌های فقر

ردیف	عنوان و تاریخ مورد بررسی	نوع کار و پدیدآورنده	شاخص مورد استفاده
۱	اندازه‌گیری شاخص‌های فقر در ایران، کاربرد انواع خط فقر، شکاف فقر، شاخص فقر (۱۳۷۹-۱۳۶۳)	گزارش، خداداد کاشی، باقری، حیدری	شاخص نسبت افراد فقیر، شاخص نسبت شکاف درآمدی، شاخص فقر سن، شاخص تاکایاما، شاخص فقر فاستر، گریر و توربک
۲	کاهش فقر، کارایی و برابری در ایران (۱۳۵۰-۱۳۷۵)	رساله دکتری - صمدی	خط فقر، درصد جمعیت فقیر و شاخص شکاف فقر و نسبت شکاف درآمدی، شاخص توسعه انسانی، شاخص فقر سن
۳	اندازه‌گیری شدت فقر در ایران: کاربرد شاخص SST (۱۳۸۳-۱۳۸۲)	مقاله - باقری، کاوند	شاخص SST
۴	توسعه‌یافتگی و شاخص‌های فقر انسانی و جنسیتی (۱۳۷۵ و ۱۳۸۵)	مقاله - خانی، مردانی	شاخص فقر انسانی و شاخص جنسیتی فقر انسانی
۵	خط فقر در استان سمنان طی برنامه‌های توسعه (۱۳۸۳-۱۳۶۸)	مقاله - ابو نوری، مالکی	خط فقر، شاخص‌های فقر (نسبت سرشمار و نسبت شکاف فقر و شاخص فوستر، گریر و توربک)
۶	برآورد خط فقر در ایران طی سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۶۳	مقاله - خداداد کاشی، حیدری، باقری	خط فقر بر پایه چهار روش نیاز به کالری، درصدی از میانه مخارج خانوارها، درصدی از میانگین مخارج خانوارها و معکوس ضریب انگل
۷	اثر سیاست‌های تعدیل بر فقر و توزیع درآمد در اقتصاد ایران (۱۳۳۸-۱۳۷۲)	پایان‌نامه کارشناسی ارشد- زیدی	شاخص‌های مختلف اندازه‌گیری توزیع درآمد از جمله ضریب جینی و ضریب پراکندگی، توزیع درآمد و شاخص‌های اندازه‌گیری فقر بر اساس شاخص نسبت افراد فقیر، شکاف درآمدی، فوستر، گریر، توربک و سن
۸	برآورد شاخص‌های فقر به روش HLES در مناطق شهری استان همدان طی سال‌های ۶۹-۷۹	پایان‌نامه کارشناسی ارشد - گرجی	روش برآورد خط فقر با استفاده از مدل عادات نسبی مبتنی بر سیستم مخارج خطی، شاخص‌های نسبت سرشمار نسبت شکاف درآمدی و نابرابری درآمد بین فقرا

در دهه‌های اخیر تعاریف فقر، خود را به نگاه صرفاً درآمدی محدود نکرده‌اند و غیر از خط فقر، شاخص‌های دیگری نیز برای اندازه‌گیری سطح رفاه در جامعه به کار رفته‌اند که برخی از این شاخص‌ها همانند امید به زندگی، دسترسی به آب سالم، دسترسی به امکانات آموزشی و بهداشتی و ... تا حدودی توانایی اندازه‌گیری فقر را



دارند که در این شاخص‌ها از اوایل دهه ۱۹۹۰ در گزارش توسعه انسانی سازمان ملل گنجانده شده است. ناگفته نماند استفاده از معیارهای خاص بیشتر مبتنی بر وجود آمار و اطلاعات است و برای همین شاخص‌هایی مطرح می‌شوند که قابلیت اندازه‌گیری دارند. ورود شاخص‌هایی غیر از خط فقر به مقوله اندازه‌گیری فقر بیشتر مدیون آمارتیا سن است.

بسته به اینکه فقر به مفهوم مطلق یا نسبی در نظر گرفته شود، آستانه‌ای تعریف می‌شود که مرز بین فقیران و سایر افراد جامعه را مشخص می‌کند. این آستانه «خط فقر» نامیده می‌شود. به این ترتیب خط فقر نیز دارای دو مفهوم مطلق و نسبی است که انتخاب هر یک از این دو، در سیاست‌های عملی فقرزدایی حایز اهمیت است؛ زیرا شاخص‌های فقر مبتنی بر هر یک از این دو مفهوم، حساسیت‌های متفاوتی در مقابل تغییرات اقتصادی- اجتماعی کوتاه‌مدت و بلندمدت یا نابرابری درآمدی از خود نشان می‌دهند.

#### – روش‌های تعیین خط فقر مطلق

بر اساس تعریف، خط فقر مطلق عبارت است از مقدار درآمدی که با توجه به زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... جامعه مورد بررسی برای تأمین حداقل نیازهای افراد (مانند غذا، پوشاک، مسکن و...) لازم است یا دست‌کم شرایطی (مانند حداقل میزان درآمد، تحصیلات، مسکن و...) که تأمین نشدن آن موجب شود فرد مورد بررسی به عنوان فقیر در نظر گرفته شود. این روش تعیین خط فقر را «روش نیازهای اساسی» نیز می‌گویند (ابوالفتحی قمی، ۱۳۷۱). در نتیجه خط فقر مطلق میزان درآمدی است که شخص با کمتر از آن نمی‌تواند احتیاجات اصلی خود را تأمین کند. برای این منظور قیمت این کالاها محاسبه و با یکدیگر جمع می‌شود. احتیاجات پایه عبارت‌اند از: تغذیه، مسکن و بهداشت (هاروی، ۱۹۹۳: ۱۰۶).

گاهی اوقات برای تعیین خط فقر مطلق از روش حداقل درآمد لازم برای تأمین نیازهای اساسی استفاده نمی‌شود، بلکه بر مشخص کردن حداقل نیازهای اساسی برای زندگی، حداقل ویژگی‌های کیفی نظیر حداقل کالری و پروتئین دریافتی روزانه، حداقل سطح زیربنای مسکونی سرانه، حداقل میزان تحصیلات سرپرست خانوار، حداقل تعداد

افراد باسواد خانواده و... در نظر گرفته می‌شوند و در صورتی که هر یک از افراد جامعه دست کم یکی از این ویژگی‌ها را نداشته باشد، فقیر محسوب می‌شود. برخی مقادیر حداقل در روش‌های تعیین خط فقر مطلق مطرح شده عبارت‌اند از: ۲۱۷۹ کالری یا ۲۳۰۰ کالری در روز، معکوس ضریب انگل، یک دلار در روز، دو دلار در روز و ...

### - روش‌های تعیین خط فقر نسبی

خط فقر نسبی یا به صورت درصد معینی (یا میانگین) درآمد جامعه یا به شکل مرز درآمدی که درصد معینی از افراد جامعه پایین‌تر از آن قرار می‌گیرند، تعریف می‌شود. انتخاب خط فقر نسبی موجب می‌شود که همواره در جامعه عده‌ای از افراد به عنوان فقیر معرفی شوند. برای نمونه بر اساس این تعریف از فقر نسبی، حتی در جامعه مرفهی نظیر آمریکا، به‌رغم افزایش درآمدها و رفع نیازهای اساسی، همواره گروهی از جمعیت پایین‌تر از درصد معین میانه (در آمریکا نصف میانه) درآمد قرار دارند و بنابراین فقیر محسوب می‌شوند (ابوالفتحی قمی، ۱۳۷۱).

روش‌های مهم در تعیین خط فقر نسبی عبارت‌اند از:

روش نسبت غذا: بر اساس این روش، همواره نسبت ثابتی بین مخارج خوراکی و درآمد (سایر هزینه‌ها) برقرار است. این روش از الگوی هزینه‌های واقعی برای تعیین خط فقر و اجتناب از مشکلات تعیین حداقل نیازهای غذایی استفاده می‌کند.

روش درصدی از میانه (میانگین) درآمد: این روش فقر را به صورت وضعیتی از محرومیت نسبی توصیف می‌کند. در این روش باید یک شاخص درآمدی مثل میانه یا نمای توزیع درآمد مشخص شود و سپس ۵۰ یا ۶۰ درصد اندازه میانه (نما) به عنوان خط فقر لحاظ شود.

روش صدک: در این روش افراد برحسب درآمد رتبه‌بندی می‌شوند و برحسب کمترین صدک توزیع، افراد فقیر شناسایی می‌شوند.



## – شاخص‌های مهم اندازه‌گیری میزان فقر

جدول ۳- شاخص‌های مهم اندازه‌گیری میزان فقر

شاخص	توضیح
شاخص نسبت افراد فقیر	ساده‌ترین روشی که به طور گسترده استفاده می‌شود، شاخص نسبت افراد فقیر است که نسبت جمعیتی را که فقیر شمرده می‌شوند، اندازه می‌گیرد.
شاخص شکاف فقر	این شاخص به صورت نسبت میانگین شکاف درآمدی افراد فقیر به خط فقر تعریف شده است. شاخص نسبت افراد فقیر، حساسیتی در مقابل میزان شکاف فقر میان افراد فقیر جامعه ندارد؛ اما در مقابل، شاخص شکاف درآمدی نیز هیچ‌گونه حساسیتی به افراد فقیر ندارد (رئیس دانا، ۱۳۸۴: ۷۰).
شاخص مجذور شکاف فقر (شدت فقر)	این گروه از شاخص‌ها (که با علامت FGT نمایش داده می‌شوند) بیانگر آن هستند که میزان فقر حاصل از بررسی زیرگروه‌های مختلف جمعیت را می‌توان با هم جمع کرد و به میزان واحدی از فقر کل جمعیت دست یافت.
شاخص سن	برای حل مشکل شاخص‌های نسبت افراد فقیر و شکاف درآمدی شاخص سن (۱۹۷۶) ارائه شده است که بر پایه مفهوم رتبه‌ای رفاه قرار دارد. شاخص سن به شاخص جینی منتهی می‌شود، به شرط آنکه ضریب جینی برای افراد فقیر در نظر گرفته شود.
شاخص SST	شاخص SST معیار مناسبی برای سنجش شدت فقر محسوب می‌شود. این شاخص شدت فقر را با در نظر گرفتن تعداد فقرا، عمق فقر و نابرابری بین فقرا اندازه‌گیری می‌کند و به ما اجازه می‌دهد که فقر را از سه جنبه بررسی کنیم: اینکه آیا تعداد فقرا زیاد است؟ آیا فقیرها فقیرتر شده‌اند؟ اینکه آیا توزیع نابرابری میان فقرا بیشتر است؟ (باقری و کاوند، ۱۳۸۵: ۱۸۱)
شاخص وات	مطالعه توزیع فقر با توجه به متغیرهای مختلف به ما اجازه می‌دهد درک ویژگی‌های مردم فقیر و در نتیجه طراحی اقدامات مؤثر در مبارزه با فقر تسهیل شود. اولین شاخص فقر حساس به توزیع در سال ۱۹۶۸ توسط وات پیشنهاد شد (مورداج، ۱۹۹۸: ۳۸۵).
شاخص زمان صرف‌شده برای خروج از فقر	شاخص زمان خروج از فقر، متوسط زمان لازم برای رسیدن به خط فقر با نرخ رشد درآمد ثابت را برای فقرا اندازه‌گیری می‌کند. این شاخص به سادگی با تقسیم شاخص وات به نرخ رشد درآمد فقرا به دست می‌آید.
شاخص هاگنارس <sup>۲</sup>	متوسط میانگین هندسی درآمد مردم فقیر را نیز در نظر می‌گیرد.

### ج) امنیت اجتماعی

امنیت از نیازها و انگیزه‌های اساسی انسان به شمار می‌رود؛ به طوری که با زوال آن آرامش خاطر انسان از بین می‌رود و تشویش، اضطراب و ناآرامی جای آن را می‌گیرد. رفع بسیاری از نیازهای آدمی در گرو تأمین امنیت است.

زمانی امنیت تنها در بعد نظامی نگریسته می‌شد و با تجهیز کشور به تسلیحات نظامی ادعای برخورداری از امنیت عملی می‌شد. امروزه گرچه بعد نظامی همچنان



از جایگاه بایسته خویش برخوردار است، اما افزایش جنبش‌های فرو ملی، کاهش حاکمیت ملی، درخواست افزایش مصونیت فرد در قبال عملکرد دولت، اعتراض به تفاوت فاحش فقیر و غنی، افزایش جرایم و مانند آنها باعث شده است که محققان و متفکران امنیت ملی به ساختارهای اجتماعی که بستر پرورش چنین قواعد و الگوهای رفتاری هستند، توجه کنند و بعد اجتماعی امنیت ملی را در کنار ابعاد دیگر آن مورد ملاحظه قرار دهند (نویدنیا، ۱۳۸۲: ۷۳).

واژه تهدید امنیت ملی تعاریف متعددی دارد. امنیت در سطح ملی به معنای تهدید برای تمامیت ارضی، رفاه اقتصادی و استقلال سیاسی کشور است. اگر این سه عامل مهم مورد تهدید باشد، بدین معناست که امنیت ملی کشور نیز مورد تهدید است. عدم رفاه مادی و اقتصادی مردم که معمولاً فساد اقتصادی، بیکاری، فقر، تبعیض، بزهکاری و ... پیامدهای آن شمرده می‌شوند، شکاف بین دولت و ملت را افزایش می‌دهد و هر چه این شکاف بیشتر شود، دو عامل دیگر یعنی تمامیت ارضی و نیز استقلال سیاسی کشور به خطر خواهد افتاد. هر چه شکاف بین دولت و ملت عمیق‌تر شود، دشمن بیرونی، به علت ضعف دفاع درونی که عامل مردمی در آن نقش اساس دارد، ممکن است تمامیت ارضی کشور را به خطر اندازد یا از نارضایتی درونی سوءاستفاده کند و با بهره‌گیری از ترفندهای گوناگون سیاسی و تحریک عامل مردمی امنیت داخلی را به خطر افکند (فرجی راد، ۱۳۸۲: ۳۰). نقش اقتصاد در امنیت ملی، حیاتی است و دلیل آن تأثیرات گسترده آن بر سایر ارزش‌های ملی است. توسعه‌نیافتگی پایدار و محرومیت از رفاه اقتصادی، روحیه ملی را تضعیف می‌کند و ناآرامی‌های اجتماعی را برمی‌انگیزد و در نتیجه چنددستگی داخلی را شدت می‌بخشد. چنین ضعف داخلی می‌تواند باعث اقدامات خصمانه از جانب دشمنان بالقوه یا بالفعل شود (آزر- مون، ۱۳۷۹: ۳۶۸).

مکتب کپنهاگ بر توسعه و تعمیق مفهوم امنیت تأکید دارد. توسعه به معنای گنجاندن ابعاد یا بخش‌های جدید از امنیت در بحث (در کنار مباحث نظامی و رئالیستی مرسوم) یعنی آوردن ابعاد اقتصاد، محیط زیست، جامعه، سیاست و ناامنی در مبحث امنیت است. تعمیق به معنای افزودن سطوح جدیدی به بحث امنیت (علاوه بر سطح ملی) و در نتیجه، گنجاندن ابعاد فردی، اجتماعی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی در مبحث امنیت است (قاسمی، ۱۳۷۹: ۶۷). بوزان در کتاب امنیت: چارچوبی برای تحلیل، یک بخش مهم از آن را به امنیت اجتماعی اختصاص داده است. از نظر وی، امنیت ملی از چند بخش اساسی تشکیل می‌شود که یکی از آنها امنیت اجتماعی است. سایر



بخش‌ها عبارت‌اند از: بخش نظامی، بخش محیط‌زیست، بخش اقتصادی و بخش سیاسی. بدین ترتیب وی میان امنیت ملی و امنیت اجتماعی ارتباط ایجاد می‌کند (آقایی و تیمورتاش، ۱۳۸۹: ۱۲). امنیت اجتماعی از نظر بوزان، به حفظ ویژگی‌هایی اشاره دارد که بر اساس آن، افراد خود را به عنوان عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می‌کنند یا به عبارتی، با جنبه‌هایی از زندگی فرد ارتباط می‌یابد که هویت گروهی او را شکل می‌دهد (بوزان، ۱۹۹۱: ۵-۴). بنابراین، هر عامل و پدیده‌ای که باعث ایجاد اختلال در احساس تعلق و همبستگی اعضای یک گروه شود، در واقع هویت آن گروه را به مخاطره می‌اندازد و تهدیدی برای امنیت اجتماعی آن قلمداد می‌شود (بوزان، ۲۰۰۰: ۳).

امنیت اجتماعی در این مفهوم دارای ابعاد سیاسی و حکومتی است و به شدت با مقوله اساسی قدرت آمیخته است و در مطالعات و بررسی‌های استراتژیک ذیل امنیت ملی مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد (آقایی و تیمورتاش، ۱۳۸۹: ۱۲). امنیت اجتماعی که ذیل موضوع امنیت ملی قرار دارد و یکی از مؤلفه‌های اصلی آن را تشکیل می‌دهد، بیانگر پیوند و ارتباط نزدیک و تنگاتنگ میان امنیت دولت و جامعه است. در تحلیل بعد اجتماعی امنیت ملی هدف، حفظ ارزش‌های دیرپای اجتماعی است که گروه‌های مختلف در جامعه متولی آن هستند. در واقع سطح دیگری از منافع عمومی بین فرد و دولت وارد صحنه می‌شود که قائم به گروه‌ها و دسته‌های اجتماعی است که هر یک کلیت منحصر به فردی را تشکیل می‌دهند (نویدنیا، ۱۳۸۲: ۵۶). اولی ویور معتقد است که برداشت بوزان از امنیت اجتماعی، ناقص و سست‌بنیاد است و بوزان امنیت اجتماعی را در قبال امنیت ملی فدا کرده است. به عقیده ویور، امنیت اجتماعی در کنار امنیت اقتصادی، سیاسی، نظامی و زیست‌محیطی قابل طرح نیست، بلکه مفهوم هم‌طراز امنیت اجتماعی، امنیت ملی است؛ زیرا امنیت اجتماعی در شرایط کنونی مرجع امنیت ملی است. از نگاه ویور در حالی که امنیت ملی به تهدیدها علیه حاکمیت می‌پردازد، امنیت اجتماعی معطوف هویت است که فی‌نفسه مقوله‌ای است بسیار مهم، چون هویت اجتماعی وجود دارد چه دولت باشد و چه نباشد. نکته دیگر اینکه امنیت هویت با امنیت اجتماعی، معنای سیاسی یافته و عکس‌العمل یک اقلیت در دفاع از هویت خود، فی‌نفسه عملی سیاسی است؛ از این رو امنیت اجتماعی به اندازه امنیت ملی واجد اعتبار است (نصری، ۱۳۸۱: ۱۲۶). بنابراین در باب معنا و تعریف امنیت اجتماعی می‌توان اذعان داشت که امنیت اجتماعی اولاً برساخته فضایی اجتماعی است، یعنی در بستری اجتماعی شکل می‌گیرد. ثانیاً امنیت در عبارت امنیت



اجتماعی، متغیری مستقل است چون پاسداشت ارزش‌های خاص صاحبان یک هویت خاص در حکم فلسفه وجودی آنهاست. ثالثاً امنیت اجتماعی به لحاظ معنایی نه به سطح امنیت فرد تنها مربوط است و نه به امنیت ملی، بلکه امنیت اجتماعی عبارت است از رهایی از اضطراب و تعقیب ایمنی در قالب یک گروه اجتماعی نظیر خانواده یا یک مجمع قومی، مذهبی و غیره (نصری، ۱۳۸۱: ۱۲۶). گکز (۱۹۹۹) معتقد است: امنیت اجتماعی در مفهومی وسیع، حقوق بشر، توسعه، مسائل جنسیتی و موارد دیگری را که به آن برجسب امنیت انسانی زده می‌شود، دربرمی‌گیرد. وی علاوه بر مؤلفه‌های اخیر، مؤلفه‌های دیگری نظیر عدالت در سطح ملی، ریشه‌کن کردن فقر، آزادی نسل‌های آتی برای به ارث بردن یک محیط سالم را مطرح می‌سازد. آلکایر (۲۰۰۵) در تعریف خود از ناامنی اجتماعی، بر تهدیدهای خشونت‌های داخلی، بحران‌های مالی، فقر، جنگ و رفتارهای جنایی (مجرمانه) متمرکز شده است (صالحی امیری و افشاری نادری، ۱۳۹۰: ۵۳).

در واقع موضوع امنیت در سطحی پایین‌تر از دولت یعنی با افراد و سایر اجتماعاتی که رفاه، هستی و هویت خود را در معرض تهدید می‌بینند، مرتبط است که در ذیل امنیت اجتماعی به آن پرداخته می‌شود؛ بدین ترتیب، اصل موضوعه امنیت اجتماعی معطوف حفظ و بقای ویژگی‌های بنیادی و اساسی گروه‌های اجتماعی است که با عنوان «هویت» از آن یاد می‌شود (صالحی امیری و افشاری نادری، ۱۳۹۰: ۵۳). به عبارت دیگر، هویت موضوع اصلی امنیت اجتماعی است و حفظ امنیت اجتماعی به معنای آن است که جامعه در مقابل تهدیدهایی که متوجه بقای خویش در مقام جامعه می‌داند، احساس ناامنی نکند (قاسمی، ۱۳۹۳: ۶۶). بحث امنیت اجتماعی به بعد داخلی امنیت و مسائلی برمی‌گردد که افراد جامعه در حوزه‌های متفاوت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، حقوقی و قضایی با آنها روبه‌رو هستند. این مسائل در چارچوب بحث امنیت اجتماعی قابل بررسی‌اند. گاه ممکن است جایگاه امنیت فردی در مقابل امنیت جامعه مورد سؤال قرارگیرد. امنیت فردی آرامش و آسایشی است که فرد بدون در نظر گرفتن امکانات جامعه و دولت برای خود فراهم می‌کند، اما امنیت اجتماعی عبارت است از آرامش و آسودگی خاطر که جامعه و نظام سیاسی برای اعضای خود فراهم می‌آورند (حسنی فر، ۱۳۸۳: ۱۲۵-۱۲۴). در این دیدگاه، همبستگی افراد یک جامعه، علاوه بر حفظ بقا، نیازمند حمایت و تقویت است که در سایه برخورداری از امکانات تحقق می‌یابد. به میزانی که افراد جامعه از امکانات مختلف آموزش، بهداشت، رفاه، آزادی و ... بهره‌مند شوند، احساس خشنودی از تعلق به چنین جامعه‌ای دارند و





دل‌بستگی میان آنها تقویت می‌شود (نوبدینیا، ۱۳۸۵: ۳۰)؛ در نتیجه، احساس امنیت آنها افزایش می‌یابد. اساساً امنیت اجتماعی علاوه بر ضرورتی انسانی، عنصری مهم در توسعه سیاسی است. همان‌طور که توسعه اقتصادی به امنیت اقتصادی و سیاسی نیاز دارد، توسعه سیاسی نیز مستلزم وجود امنیت اجتماعی و امنیت داخلی و ملی است (محمدی، ۱۳۷۳: ۵).

امنیت اجتماعی را می‌توان به ابعاد عینی (امنیت واقعی) و ذهنی (احساس امنیت) تقسیم کرد.

بعد عینی امنیت: این بعد از امنیت به کمیت جرایم، آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی در جامعه می‌پردازد که تغییرات در میزان آنها، امنیت جامعه را تغییر می‌دهد. مهم‌ترین شاخص‌های این بعد از امنیت عبارت‌اند از:

۱. میزان آسیب‌های اجتماعی؛
۲. میزان وقوع جرایم و بزهکاری؛
۳. میزان آشفستگی‌های اجتماعی؛
۴. توان و مهارت و قدرت عمل پلیس در مقابله با جرایم و ناامنی؛
۵. هماهنگی نهادها و سازمان‌های ذی‌ربط در حوزه کنترل آسیب‌ها و جرایم؛
۶. امید به آینده.

بعد ذهنی (احساس امنیت): بوزان نقطه آغازین امنیت را ذهنی و مبتنی بر تصمیم بازیگران معرفی می‌کند. او بیان می‌کند که مسئله امنیت در اجتماع شناخته می‌شود، زیرا بازیگران می‌توانند به آن رجوع کنند و برخی پدیده‌ها را به عنوان تهدید ببینند (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۴۴۶). احساس امنیت، پدیده روان‌شناختی- اجتماعی است که ابعاد گوناگونی دارد. این احساس ناشی از تجربه‌های مستقیم و غیرمستقیم افراد از اوضاع محیط پیرامونی است و افراد مختلف به صورت‌های گوناگون آن را تجربه می‌کنند. منابع تأمین‌کننده احساس امنیت برای آحاد و گروه‌های مختلف جامعه نیز متفاوت از یکدیگر است و این منابع در سطوح مختلف اثرگذارند.

از آنچه تاکنون گفته شد می‌توان دریافت عمده مضامینی که از طریق شهروندان و به عنوان «احساس امنیت» مطرح می‌شود با امنیت اجتماعی مرتبط است. به سخنی دیگر تمام مؤلفه‌های امنیت اجتماعی قابل‌سنجش از طریق مراجعه به ذهنیت و آرای عمومی است. علاوه بر آن، در سایر ابعاد امنیت مثل امنیت سرزمین (دفاعی یا نظامی) هم برخی جهات قابل‌سنجش از طریق اخذ دیدگاه و سنجش احساسات شهروندان است.

## د) فقر و تهدید امنیت اجتماعی

از جمله ضعف‌های اساسی اقتصاد هر کشور وجود فقر و محرومیت است که می‌تواند امنیت ملی را با تهدید مواجه کند. علت بسیاری از حوادث اجتماعی که در اطراف ما رخ می‌دهد، فقر و بیکاری و محرومیت از رفاه اجتماعی است. بیکاری و فقر در حالی امنیت اجتماعی را تهدید می‌کند که دامنه وسیعی از قشر جوان ما را در بر گرفته که در سایه آن ناهنجاری اجتماعی و شدیدتر از آن جرم به وقوع می‌پیوندد (شهبازی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۳۳). امنیت اجتماعی مسئله رفاه اقتصادی، زندگی اجتماعی و تأمین اجتماعی را دربرمی‌گیرد، به طوری که تأمین اجتماعی به عنوان وجه دیگری از تأمین امنیت برنامه‌ریزی می‌شود. منظور از تأمین اجتماعی پدید آوردن زمینه‌هایی است که برطرف‌کننده نیازهای مادی و معنوی افراد باشد (طالب، ۱۳۸۱). یکی از پدیده‌های روانی شناخته‌شده ناامن‌ساز در جامعه، موضوع احساس فقر و نگرش جامعه به مسئله فقر است. به اعتقاد کارشناسان امنیتی، پدیده احساس فقر می‌تواند بیش از واقعیت فقر، امنیت روانی را مورد تهدید قرار دهد و این نگرش به خودی خود می‌تواند پایه‌های بی‌ثباتی را فراهم سازد (ربیعی، ۱۳۸۹: ۱۷۲). این نگرش‌ها در شرایط خاص اجتماعی تولید ناامنی خاص کرده و در پیوستن به جریانی ناامن‌ساز کمک خواهد کرد. نظریه‌پردازان انقلاب معتقدند برای پیدایش انقلاب در یک نظام اجتماعی در درجه اول، این عامل مهم است که نابرابری اجتماعی-اقتصادی وجود داشته باشد، اما مهم‌تر از آن احساس ذهنی اعضای جامعه از نابرابری است (رفیع پور، ۱۳۷۹: ۶۶-۶۵). مکانیسم‌هایی را که به واسطه آنها فقر یا محرومیت زمینه‌ساز شکل‌گیری تهدید امنیت اجتماعی می‌شود می‌توان به صورت‌های گوناگون بیان کرد:

۱. فقر، محرومیت نسبی و جنبش‌های اجتماعی: جنبش اجتماعی اقدام گروهی از افراد جامعه است که برای تبلیغ و ترویج و در نهایت عملی کردن تغییری یا پیشگیری از تغییری در کل جامعه یا در بخشی از آن، یعنی بین گروهی و عده‌ای از افراد جامعه، بسیج می‌شوند و به اقدام عملی مبادرت می‌ورزند. جنبش اجتماعی کوشش جمعی آگاهانه برای ترویج دگرگونی در هر زمینه ممکن به هر وسیله ممکن است که حتی خشونت، اعمال خلاف قانون، انقلاب یا پناه بردن به الگویی ناکجاآبادی را کنار نمی‌گذارد (پیران، ۱۳۸۴: ۲۹). مهم‌ترین نقطه آغاز خیزش‌های اجتماعی به تعالیم مارکس برمی‌گردد که طی آن تخاصم طبقاتی موجب رهایی پرولتاریا از زنجیر طبقه سرمایه‌دار حاکم می‌شد. پس از مارکس دیدگاه‌های گوناگونی در چرایی خیزش



اجتماعی و طغیان علیه حاکمیت ارائه شده است که وجه مشترک همه آنها تأکید بر محرومیت نسبی، فشار ساختاری و توده‌ای بودن جامعه است (بشیریه، ۱۳۷۲: ۳۵-۳۰). پتانسیل خشونت جمعی قویاً تحت تأثیر شدت و گستره محرومیت نسبی میان اعضای یک مجموعه قرار دارد (گر، ۱۳۸۸: ۴۷). تئوری محرومیت نسبی برای تبیین منشأ بحران‌های اجتماعی، سیاسی و قومی در مطالعات اجتماعی کاربرد زیادی دارد. مقوله یا مفهوم محوری این نظریه «محرومیت» است. محرومیت همان‌گونه که از معنای لغوی آن مستفاد می‌شود، به طور ضمنی ناظر بر شرایطی نابرابر میان اجزای یک جامعه است که در آن برخی شهروندان از امکانات، امتیازات و بهره‌مندی‌های بیشتری نسبت به برخی دیگر بهره‌مندند و گروه نابرخوردار در نسبت‌سنجی میان وضعیت خود و وضعیت گروه برخوردار به احساسی دست می‌یابند که «محرومیت» نامیده می‌شود (صالحی، ۱۳۸۶: ۱۸). به بیان دیگر، تصور وجود تفاوت میان انتظارات و مطالبات انسان‌ها و توانایی آنها برای تحقق مطالبات، محرومیت نسبی را در جامعه گسترش می‌دهد و در نتیجه آن، شدت نارضایتی در جامعه افزایش می‌یابد و با افزایش شدت نارضایتی، احتمال خشونت نیز بیشتر خواهد شد. بر اساس این دیدگاه، شورش و بحران‌های سیاسی هنگامی صورت می‌گیرد که معترضین به این نتیجه برسند که بنا به دلایل و عواملی از امکانات موجود یا آنچه مورد انتظارشان است، کمتر از حق‌شان دریافت می‌کنند. از این رو برای دست یافتن به حقوق و منافع بیشتر یا تسکین سرخوردگی ناشی از محرومیت به پرخاشگری و خشونت سیاسی متوسل می‌شوند. نکته مهم در این نظریه این است که شرایط بد مادی یا محرومیت مطلق مستقیماً به اعتراض و شورش منتهی نمی‌شود؛ بلکه همان‌گونه که گفته شد، واکنش ذهنی یا روانی در قبال این شرایط عامل تعیین‌کننده محسوب می‌شود (صالحی، ۱۳۸۶: ۱۹). بررسی حوادث اعتراض‌گونه در دو دهه گذشته پس از دوران جنگ تحمیلی نشان می‌دهد که در اعتراضات شورش‌گونه همواره طبقات پایین اجتماعی-اقتصادی حضور و مشارکت جدی داشته‌اند. بررسی‌ها نشان می‌دهد نامنی‌های طبقات پایین اقتصادی، تخریب‌گرایانه جمعی همراه با تظاهرات بوده است (ربیعی، ۱۳۸۹: ۱۷۸).

مقدمه جنبش اجتماعی «نارضایتی اجتماعی» است. البته نارضایتی اجتماعی همواره بین افراد و گروه‌های جامعه به هزاران دلیل وجود دارد که یکی از مهم‌ترین آن دلایل، فقر در جامعه است.

رابطه فقر و جنبش‌های اجتماعی به مفهوم فراگیر آن یعنی تلقی از انواع مبارزات

مردمی به اشکال مختلف؛ از این رو، جنبش اجتماعی قدمتی دیرپا دارد. این اعمال شورشی به عنوان واکنش از سر به جان آمدگی، رفته رفته جای خود را به جنبش‌های متشکل و سازمان‌یافته داده است (بشیریه، ۱۳۷۲: ۳۵-۳۰). باید توجه کرد که جنبش‌های اجتماعی فقرا، در جامعه به سه شکل اساسی رخ می‌دهند که جنبش آلونک‌نشین‌ها، بی‌خانمان‌ها و جنبش‌های معطوف به خدمات عمومی یا مصرف جمعی نوع اول، جنبش‌های اتحادیه‌های کارگری نوع دوم و جنبش‌های شورش‌گرایانه نوع سوم محسوب می‌شوند. از بین جنبش‌های یادشده آنچه هنوز در قالب جنبش‌های اجتماعی با هویت تهیدستی باقی مانده، جنبش سرپناه و مصرف جمعی است که باز هم نشان‌دهنده نقش فقر و محروم‌شدگی در ظهور است و موجب تداوم جنبش‌های اجتماعی می‌شود (پیران، ۱۳۸۴: ۳۱).

مهم‌ترین نکته آن است که دولت‌های جهان‌سومی باید آگاهانه با موضوع فقر و جنبش‌های اجتماعی منبعث از آن برخورد کنند زیرا جنبش‌های اجتماعی با اهداف محدود و غیرساختارشکن می‌توانند جانشین شورشی‌های تخریبی شوند و این نکته‌ای سخت بااهمیت است. چنانچه فقرای شهری مورد بی‌اعتنایی قرار گیرند و نادیده انگاشته شوند، حرکات تند شورشی رشد خواهد کرد. اما نکته قابل توجه آن است که به دلیل قطبی شدن جوامع، چنین حرکاتی به مراتب از گذشته کمتر قابل پیش‌بینی‌اند و می‌توانند ناگاه به جریانی پایدار بدل شوند و کشورهای جهان سوم را دست‌خوش بی‌ثباتی طولانی و دخالت بیگانگان کنند (پیران، ۱۳۸۴: ۳۴-۳۳).

۲. فقر و قانون‌گریزی: قانون‌گریزی یک بیماری مسری است که در حال حاضر بخش اعظمی از مردم کشور به آن مبتلا شده‌اند و ریشه آن عدم نظم‌پذیری است که به دلیل گسترش فقر و شکاف طبقاتی است؛ زیرا نظم‌پذیری مختص اشخاصی است که حداقل نیازهای طبیعی، فرهنگی و اجتماعی‌شان تأمین شده باشد (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۴: ۶۶). رعایت نشدن قانون که بخشی از آن وابسته به فقر فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی است، می‌تواند وضعیت کلی اجتماع را دچار انواع دشواری‌ها کند و ساخت‌های اقتصادی نامطلوب و بی‌عدالتی‌ها و به طور کلی نارضایتی و نابسامانی عمومی را سبب شود و در نهایت به ورشکستگی دایره انسجام اجتماعی و درهم‌گسیختگی نظام اجتماعی بینجامد (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۴: ۶۷).

فقر موجب انزوای سیاسی فقیر می‌شود. فقر فقیر و فاصله گرفتن از جامعه به معنای این است که افراد جامعه دیگر اهمیتی به کلام و سخنان فقیر نمی‌دهند و



قدر و منزلت او را نمی‌شناسند؛ بنابراین حتی اگر فقیر به دادخواهی برای احقاق حقوقش بپردازد، نظام سیاسی جامعه هیچ توجهی به او نخواهد کرد. علاوه بر این، فقر موجب انزوای حقوقی نیز می‌شود. فقر مانعی برای بیان برهان و عقاید است. این انزوای حقوقی ناشی از احساس خودکم‌بینی، بی‌سوادی و آگاهی نداشتن از پایگاه اجتماعی و سیاسی است. در نهایت، فقر موجب می‌شود که انسان در دستیابی به رشد و تکامل و سعادت دچار مشکل شود، زیرا برای رشد و تکامل نیازمند شرایطی اعم از مادی و معنوی است (زریباف و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۶۳-۱۶۲). کودکان و جوانانی که در خانواده‌های فقیر زندگی می‌کنند اغلب به امکانات و تجهیزات در سطح بسیار پایین‌تری دسترسی دارند. اجتماعات کوچک و رعیتی با فقدان تسهیلات، امکانات نظامی و انتظامی، مناطق ایمن و سالم برای انجام فعالیت‌ها و بازی، هم‌چنین عدم خدمات مناسب برای محافظت از مشارکت بازار کار اغلب در اقلیت قرار می‌گیرند. این موانع به دو صورت در جامعه وجود دارد: یا به شکل طبیعی مانند بعد مسافت، فقدان حمل و نقل و سیستم ترابری، هزینه حمل و نقل و داشتن محدودیت در جابه‌جایی و عدم اعتماد به نفس است یا به شکل غیرطبیعی مانند میزان دسترسی به آسودگی و فعالیت‌های اجتماعی که یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین پیامدهای دوران جوانی است؛ هزینه و قابلیت استفاده از سیستم حمل و نقل و جابه‌جایی، عامل کلیدی در رفع محرومیت اجتماعی حس انزواست. نتیجه فقدان جابه‌جایی در جوانان ملامت و خستگی است و این کمبود امکانات جوانان را به سمت جنایت، الکل، مواد مخدر و بیماری‌های روانی و در نهایت رفتارهای ضد اجتماعی و عدم مشارکت در امور داخل کشور سوق می‌دهد (زریباف و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۶۳).

بنابراین، می‌توان در مجموع این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که فقر مادی به واسطه اثرگذاری بر سلامت روان و گسترش احساس محرومیت، مظلوم واقع شدن و دور ماندن از تسهیلات و امکانات اجتماعی از یک سو، موجب گسترش قانون‌گریزی و ناامنی‌های اجتماعی و از سوی دیگر، باعث گسترش انواع انحرافات و آسیب‌های اجتماعی مانند اعتیاد، طلاق، فرار از خانه و... می‌شود. ناامنی عمومی در شقوق مختلف می‌تواند به گسترش ناامنی داخلی و ملی بینجامد (براتی، ۱۳۹۰: ۵۶).

۳. فقر و تروریسم: با اینکه در تحقیقات متعدد بروز پدیده تروریسم به انگیزه‌های سیاسی یا مذهبی ارتباط داده شده، ولی وجود ارتباط بین فقر و تروریسم نیز مورد



تأکید قرار گرفته است. نشان دادن ارتباط بین فقر و تروریسم مشکل‌تر از نشان دادن ارتباط بین فقر و درگیری است. اعضای شبکه‌های تروریستی که در طول بیست سال گذشته عمل کرده‌اند بیشتر از مردم با تحصیلات متوسط بوده‌اند. انگیزه گروه‌هایی مانند ارتش جمهوری خواه ایرلند، گروه باسک (ETA) و القاعده، سیاسی یا به دلیل اعتقادات شدید مذهبی یا ترکیبی از هر دو انگیزه بوده است؛ اما پژوهشگران که مشی این گروه‌ها را مورد مطالعه قرار داده‌اند، مشاهده کرده‌اند که این گروه‌ها همواره برای گسترش قدرت سیاسی خود با سوءاستفاده از فقر جوامع، سربازان خود را جذب کرده‌اند (آتود، ۲۰۰۳: ۱۶۱). فقر بر تروریسم بین‌المللی تأثیر می‌گذارد. وضعیت فقر موجب رشد تروریسم می‌شود. کشورهای با درصد بالای جمعیت فقیر بیشتر در معرض رشد گروه‌های تروریستی هستند. گروه‌های تروریستی بین‌المللی به بهانه پناهگاه، کشورهای فقیر را قربانی اقدامات خود می‌کنند. عضوگیری آنها در چنین کشورهایی مدیون نارضایتی‌های پرورش‌یافته از فقر است. گروه‌های تروریستی بین‌المللی که معمولاً از منابع مالی زیادی برخوردارند، می‌توانند به عنوان نقطه قابل اتکایی برای مردم فقیر محسوب شوند که با فعالیت در چنین گروه‌هایی تا حدود زیادی از لحاظ مالی تأمین می‌شوند (شریفی، ۱۳۸۵: ۲۳۲-۲۳۱).

۴. فقر و مواد مخدر: در شکل‌گیری اعتیاد و قاچاق مواد مخدر علل گوناگونی همچون فقر، بیکاری، یأس و ناامیدی، اختلالات روانی و شخصیتی، تبعیض، ماجراجویی و کنجکاوی، باورهای غلط، فقدان نشاط و شادابی و ... نقش دارند. یک فرد ثروتمند هیچ‌گاه حاضر نمی‌شود با دریافت مبلغ ناچیزی محموله‌های بسیار خطرناک را همراه خود یا از طریق بلعیدن انتقال دهد؛ اما یک فرد نیازمند به دلیل فقر معیشتی حاضر است چنین خطرهایی را بپذیرد و با دریافت مبلغ ناچیزی به قاچاق مواد مخدر بپردازد. تجربه نشان می‌دهد تمایل بیشتر به قاچاق مواد مخدر با توجه به ارزش افزوده مواد مخدر از نظر اقتصادی در مقایسه با سایر موارد قاچاق افرادی که خواسته یا ناخواسته وارد این گردونه می‌شوند و تجربه پول بادآورده را کسب می‌کنند به راحتی دست از این کار نخواهند کشید. حتی در قبال احتمال از دست دادن جان خود (چه در درگیری‌های مسلحانه، چه به واسطه اعمال مجازات‌های سخت همچون اعدام و چه حتی به واسطه مسمومیت ناشی از حمل و جاسازی مواد در بدن که منجر به فوت می‌شود) باز هم حاضر به ادامه کار هستند (زکریایی، ۱۳۹۰: ۱۴). پیوند قاچاق مواد مخدر با درگیری‌های مسلحانه، گروگان‌گیری، قتل و ارباب و تهدید و نیز



خرید و فروش غیرقانونی اسلحه و ... عدم پای‌بندی‌های برخی معتادان (به خصوص سابقه‌داران) به مبانی اخلاقی و ارزشی و تلاش برای دستیابی به پول مورد نیازشان به منظور تهیه مواد به طریق ممکن (سرقت، خودفروشی، توزیع خیابانی و ...). قریب ۲۵ درصد سایر جرایم به واسطه مسائل مرتبط با مواد مخدر شکل می‌گیرد؛ در حالی که ۵۰ درصد فضای زندان‌های کشور نیز توسط مجرمین مواد مخدر اشغال شده است. در واقع حدود ۷۵ درصد فضای زندان‌ها به جرایم مواد مخدر یا متأثر از آن اختصاص یافته است. آنچه سلامت آحاد بشری را تهدید می‌کند، پیامدهای سوء بهداشتی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ناشی از مصرف این مواد خطرناک است. رشد روزافزون تعداد معتادان تزریقی و استفاده از سرنگ‌های مشترک موجب گسترش ایدز و انتقال ویروس ایدز توسط آنان به خانواده‌ها (همسران و فرزندان شیرخواره) شده و متأسفانه ارتباط این موضوع با فقر و سوءاستفاده‌های جنسی از این قشرها بر دامنه تهدید افزوده است. این موضوع در کشورهای جهان سوم و نیز در حال توسعه بیشتر مشهود است. هم‌جواری ایران با افغانستان (به‌عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده مواد افیونی در جهان) بر این نگرانی‌ها می‌افزاید (زکریایی، ۱۳۹۰: ۱۲). با توجه به شرایط منطقه‌ای ایران، مواد مخدر و اعتیاد تهدیدی جدی علیه ساختارهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و به طور اخص امنیت ملی کشورمان است؛ زیرا:

- سوءمصرف مواد مخدر و اعتیاد از لحاظ آثار و عوارض فردی موجب از کارافتادن تفکر و اندیشه انسان، از کارافتادگی جسمی و بی‌توجهی به فضایل اخلاقی و انسانی می‌شود.
- واحد بنیادی خانواده را متزلزل و از هم گسیخته خواهد کرد و به تبع آن افراد آسیب‌دیده به سرنوشت اجتماعی خویش بی‌اعتنا خواهند شد.
- سوءمصرف مواد در صورتی که درمان و کنترل نشود، مروج فساد و تباهی خواهد شد.
- بروز بیکاری‌های ناشی از سوءمصرف مواد مخدر و ورود سرمایه‌های نامشروع در سیستم اقتصادی، هزینه‌های ناشی از جلوگیری از قاچاق، هزینه‌های ناشی از کارافتادگی و غیره همگی لطماتی است که هر یک به تنهایی از لحاظ اقتصادی یک بحران است.
- قاچاق مواد از نظر سیاسی، هویت ملی، دینی و بنیان‌های امنیت ملی کشور را تهدید می‌کند. شاخص‌های مختلف در سوءمصرف و قاچاق مواد مخدر مشکلاتی را برای کشور ترسیم می‌کند (زکریایی، ۱۳۹۰: ۱۳).



### ۳. روش‌شناسی تحقیق

برای ساختن شاخص فقر ابتدا از مفهوم خط فقر مطلق که معادل ریالی ۲ دلار در هر روز برای هر نفر است، شروع می‌کنیم؛ سپس مجموع متوسط هزینه‌های سالانه خوراکی و غیرخوراکی خانوارهای هر دهک هزینه‌ای را تقسیم بر ۳۶۵ می‌کنیم. متوسط هزینه کل روزانه به‌دست‌آمده برای هر خانوار در هر دهک هزینه‌ای بر بعد خانوار آن دهک هزینه‌ای تقسیم می‌شود تا متوسط هزینه کل روزانه برای هر نفر در هر دهک هزینه‌ای به دست آید. متوسط هزینه کل روزانه برای هر نفر در هر دهک هزینه‌ای را با خط فقر مذکور مقایسه می‌کنیم؛ چنانچه مخارج روزانه برای هر نفر در دهک ای.ام مساوی یا بزرگ‌تر از خط فقر محاسبه‌شده باشد، آن دهک غیر فقیر تلقی می‌شود و اگر کوچک‌تر از خط فقر باشد، آن دهک فقیر به شمار می‌آید. به این ترتیب می‌توان درصد افراد فقیر را شناسایی کرد. در این تحقیق درصد به‌دست‌آمده به عنوان شاخص فقر مورد استفاده قرار گرفته است.

اگرچه در ادبیات توزیع درآمد و فقر به طور معمول و متعارف همواره از لفظ توزیع درآمد و فقر درآمدی استفاده می‌شود، اما در عمل (به خصوص در کشورهایی مانند کشور ما که اطلاعات آماری مربوط به هزینه خانوار دارای دقتی بیشتر از آمارهای مربوط به درآمد آن است)، غالباً از هزینه (به عنوان تقریبی قابل قبول از درآمد) خانوار به جای درآمد خانوار استفاده می‌شود.

در تبدیل دلار به ریال از نرخ بازار غیررسمی دلار منتشرشده در سایت بانک مرکزی استفاده شده و اطلاعات متوسط هزینه‌های سالانه خوراکی و غیرخوراکی خانوارهای شهری هر دهک هزینه‌ای هم از سایت مرکز آمار استخراج شده است. در این تحقیق برای محاسبه متوسط هزینه کل روزانه برای هر نفر چند نکته قابل ذکر است:

الف) برای ساختن شاخص فقر، از اطلاعات مخارج هزینه‌ای گروه‌ها یا دهک‌های هزینه‌ای خانوارهای شهری استفاده شده است؛ بنابراین شاخص فقر به‌دست‌آمده درصد فقر را در مناطق شهری نشان می‌دهد.

ب) مخارج هزینه‌ای کل شامل مجموع متوسط هزینه‌های سالانه خوراکی و غیرخوراکی خانوارهای هر دهک یا گروه هزینه‌ای است که برای محاسبه مخارج هزینه‌ای روزانه مخارج هزینه‌ای کل را به ترتیب تقسیم بر ۳۶۵ می‌کنیم. متوسط هزینه کل روزانه به‌دست‌آمده برای هر خانوار در هر دهک یا گروه هزینه‌ای بر بعد خانوار آن دهک یا گروه هزینه‌ای تقسیم می‌شود تا متوسط هزینه کل روزانه برای هر نفر در هر دهک یا گروه هزینه‌ای به دست آید.





ج) اطلاعات مخارج هزینه‌ای خانوارها از سال ۵۸ تا ۷۳، به صورت گروه‌های هزینه‌ای و از سال ۷۴ تا ۹۱، دهک‌های هزینه‌ای موجود بوده است؛ بنابراین اگر مخارج روزانه هر نفر در گروه هزینه‌ای مفروض پایین‌تر از ۳۸۰۰۰ ریال بود، باید درصد افراد آن گروه هزینه‌ای محاسبه شود؛ ولی چنانچه مخارج روزانه هر نفر در دهک هزینه‌ای خاص پایین‌تر از ۳۸۰۰۰ ریال باشد، درصد افراد زیر خط فقر بابت این دهک، ۱۰ درصد است. د) به دلیل اینکه برای محاسبه مخارج دهک‌ها و گروه‌های هزینه‌ای، سال ۱۳۹۰ به عنوان سال پایه انتخاب شده است، این مخارج با شاخص کل بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران (شاخص تورم) تعدیل شده‌اند. ه) اطلاعات مخارج هزینه‌ای خانوارها در سال‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۶۶ موجود نبوده که شاخص فقر در این سال‌ها را به ترتیب متوسط شاخص فقر سال‌های ۵۹ و ۶۱ و ۱۳۶۵ و ۱۳۶۷ می‌توان در نظر گرفت.

#### ۴. یافته‌های تحقیق

برای تبدیل جدول هزینه‌های سالانه گروه‌های هزینه‌ای به جدول هزینه‌های روزانه هر فرد گروه‌های هزینه‌ای، لازم است علاوه بر تقسیم هزینه‌های سالانه گروه‌های هزینه‌ای به ۳۶۵ و بعد (تعداد افراد) خانوار هر گروه هزینه‌ای (جدول ۷ پیوست)، به دلیل اینکه سال ۱۳۹۰ به عنوان سال پایه انتخاب شده است، باید این مخارج با شاخص کل بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران (شاخص تورم جدول ۳ پیوست)، تعدیل شوند. بدین ترتیب هزینه‌های روزانه هر فرد گروه‌های هزینه‌ای خانوارهای شهری بین سال‌های ۱۳۷۳-۱۳۵۸ به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰ را نشان می‌دهند. با توجه به این نکته که اطلاعات مخارج هزینه‌ای خانوارها در سال‌های بین ۱۳۷۳-۱۳۵۸ به صورت گروه‌های هزینه‌ای در دسترس بوده، نیازمند تعیین درصد تعداد افراد در هر گروه هزینه‌ای هستیم که این کار انجام گرفت (جدول ۵ پیوست). چنان که اشاره شد، اگر مخارج روزانه برای هر نفر در گروه هزینه‌ای ای.ام از خط فقر محاسبه شده (۳۸۰۰۰ ریال) کوچک‌تر باشد، آن گروه فقیر تلقی می‌شود. به این ترتیب می‌توان درصد افراد فقیری را که گروه‌های هزینه‌ای آنها پایین‌تر از خط فقر است، شناسایی کرد. در این تحقیق درصد به‌دست‌آمده به عنوان شاخص فقر مورد استفاده قرار گرفته است.

جدول ۵- شاخص فقر: درصد افراد زیر خط فقر خانوارهای شهری بین سال‌های ۱۳۷۳-۱۳۵۸

سال	درصد افراد زیر خط فقر	سال	درصد افراد زیر خط فقر
۱۳۵۸	۴۴,۳۷	۱۳۶۶	محاسبه نشده
۱۳۵۹	۵۰,۲۴	۱۳۶۷	۵۶
۱۳۶۰	محاسبه نشده	۱۳۶۸	۵۶,۳۴
۱۳۶۱	۲۹,۰۳	۱۳۶۹	۶۰,۸۶
۱۳۶۲	۲۸,۸۳	۱۳۷۰	۵۵,۲
۱۳۶۳	۲۷,۲۱	۱۳۷۱	۵۱,۱۲
۱۳۶۴	۳۶,۵۱	۱۳۷۲	۴۶,۶
۱۳۶۵	۴۱,۵۷	۱۳۷۳	۴۴,۸۵

برای محاسبه شاخص فقر از سال ۷۴ تا ۹۱ از اطلاعات هزینه‌های سالانه دهک‌های هزینه‌ای خانوارهای شهری استفاده می‌کنیم که از مجموع متوسط هزینه‌های سالانه خوراکی و غیرخوراکی خانوارهای هر دهک هزینه‌ای به دست می‌آید. جدول ۶ هزینه‌های سالانه دهک‌های هزینه‌ای خانوارهای شهری بین سال‌های ۱۳۷۴-۱۳۹۱ را نشان می‌دهد. روشی که برای تبدیل جدول هزینه‌های سالانه گروه‌های هزینه‌ای به جدول هزینه‌های روزانه هر فرد گروه‌های هزینه‌ای در سال‌های ۱۳۷۳-۱۳۵۸ مورد اشاره قرار گرفت، در تبدیل جدول هزینه‌های سالانه دهک‌های هزینه‌ای به جدول هزینه‌های روزانه هر فرد دهک‌های هزینه‌ای در سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۷۴ نیز مورد استفاده قرار گرفت؛ با این تفاوت که به دلیل در دسترس بودن اطلاعات هزینه‌ای به صورت دهک هزینه‌ای در سال‌های اخیر، هر دهک هزینه‌ای ۱۰ درصد افراد جامعه را شامل می‌شود. جدول‌های ۸ و ۹ پیوست، به ترتیب هزینه‌های روزانه هر فرد دهک‌های هزینه‌ای خانوارهای شهری بین سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۷۴ و هزینه‌های روزانه هر فرد دهک‌های هزینه‌ای خانوارهای شهری بین سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۷۴ به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰ را نشان می‌دهند. درصد افراد زیر خط فقر بین سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۷۴ در جدول ۶ مشخص شده است.

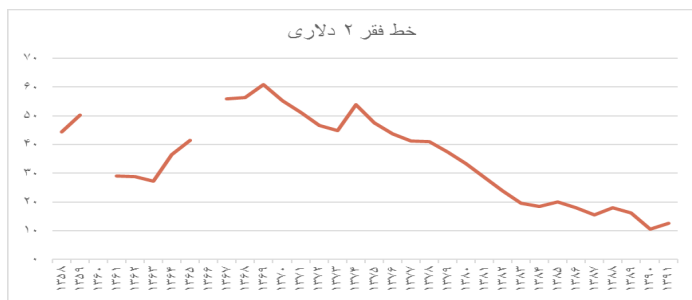
جدول ۶- شاخص فقر: درصد افراد زیر خط فقر بین سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۷۴

سال	درصد افراد زیر خط فقر	سال	درصد افراد زیر خط فقر
۱۳۷۴	۵۳,۸۵	۱۳۸۳	۱۹,۶۷
۱۳۷۵	۴۷,۵۲	۱۳۸۴	۱۸,۴۱



۱۳۷۶	۴۳.۷۴	۱۳۸۴	۱۹.۹۷
۱۳۷۷	۴۱.۳۴	۱۳۸۶	۱۸.۰۱
۱۳۷۸	۴۰.۹۸	۱۳۸۷	۱۵.۴۶
۱۳۷۹	۳۷.۴۷	۱۳۸۸	۱۸.۰۵
۱۳۸۰	۳۳.۳۸	۱۳۸۹	۱۶.۱۹
۱۳۸۱	۲۸.۵۸	۱۳۹۰	۱۰.۵
۱۳۸۲	۲۳.۸۱	۱۳۹۱	۱۲.۶۱

از ترکیب جدول‌های ۵ و ۶ می‌توان شاخص فقر شهری را برای مناطق شهری ایران در سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۵۸ به صورت نموداری نشان داد:



نمودار ۱- درصد افراد زیر خط فقر در مناطق شهری ایران در سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۵۸

اگر متوسط شاخص فقر مناطق شهری را در طول اجرای برنامه‌های توسعه کشور محاسبه کنیم، نتایج جدول ۷ به دست می‌آید.

جدول ۷- متوسط شاخص فقر مناطق شهری در طول اجرای برنامه‌های توسعه کشور

برنامه	سال‌های	متوسط شاخص فقر مناطق شهری
اول توسعه	۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲	۵۴,۰۲۴
دوم توسعه	۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸	۴۵,۴۸۷
سوم توسعه	۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳	۲۸,۵۷۹
چهارم توسعه	۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸	۱۷,۹۸۱

## ۵. تحلیل نتایج

با اینکه اعتبار شاخص به دست آمده برای سال‌های ۱۳۶۷-۱۳۵۸ به دلیل کم بودن تعداد خانوارهای نمونه مورد اشکال است، ولی در خصوص شاخص محاسبه شده برای سال‌های بین ۱۳۷۰-۱۳۵۸ می‌توان چنین تحلیل کرد که به دلیل وجود روحیه قناعت جویی در جامعه ناشی از انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی، نظام اسلامی چندان با تهدید امنیتی ناشی از افزایش فقر مادی یا اقتصادی مواجه نبوده، هرچند یکی از دلایل پذیرش قطعنامه می‌تواند ناشی از شرایط سخت اقتصادی از جمله افزایش فقر در سال‌های منتهی به پایان جنگ باشد که روند افزایش فقر در این سال‌ها در نمودار مشهود است. تفسیر نتایج به دست آمده برای سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۷۱ نشان می‌دهد در سال‌های آغازین این دوره به دلیل مشکلات اقتصادی همچون افزایش فقر، پدیده‌های کم‌سابقه از واکنش‌های دسته‌جمعی و روندهای فزاینده ناهنجاری‌های اجتماعی و عصیان‌های شبه‌شورش‌ی در مناطق متعدد کشور، دولت سازندگی را در لاک امنیتی شدیدی فرو برد. یافته‌های این پژوهش به خصوص در فاصله ۱۳۷۴-۱۳۷۱ به وضوح ارتباط بین افزایش فقر با حوادث اتفاقی افتاده در آن سال‌ها را که امنیت اجتماعی را با تهدید جدی مواجه کرد، نمایان می‌کند. افراد شرکت‌کننده در ناآرامی اسلامی‌شهر در سال ۱۳۷۴، اقدام به تخریب اماکن دولتی کردند و به نوعی در حرکت شورش‌گونه محدود در سه روز متوالی کنش‌های خود را بروز دادند. مصاحبه حین کنش‌های اعتراضی از متهمان دستگیر شده نشان داد که شکاف درآمدی، نوع زندگی و عدم بهره‌گیری از مواهب شهرنشینی انگیزه اصلی از شرکت‌کنندگان بوده است. طبق بررسی‌ها، شرکت‌کنندگان اهداف مشخصی را دنبال نمی‌کردند و هدف آنها کنش پیرامون خواست عمومی با خاستگاه تغییرات اقتصادی، ایجاد شغل و زندگی بهتر بود (ربیعی، ۱۳۸۹: ۱۷۵). در بررسی دیگر (که به روش مصاحبه توسط نویسنده مقاله با تعدادی از مسئولان اجرایی و شرکت‌کنندگان در کنش‌های اعتراضی صورت گرفت) اعتراضات سال ۱۳۷۱ شهرستان مشهد که از کوی طلاب آغاز و سراسر شهرستان را دربرگرفت، نشانگر آن بود که به رغم بهانه اولیه علیه اقدام شهرداری، فشار وارده بر زندگی معیشتی از عوامل اصلی اعتراض بوده و مشارکت‌کنندگان کاملاً جزو طبقات فرودست مشهد بوده‌اند. افراد دستگیر شده فاقد سابقه سیاسی و انگیزه اصلی آنها واکنش به شرایط درآمدی و اقتصادی بوده است (ربیعی، ۱۳۸۹: ۱۷۶).

یکی از واقعیت‌های جالب در توجیه کاهش فقر در سال‌های ۸۹ و ۹۰ شروع



توزیع یارانه در این سال‌هاست. هم‌چنین با آغاز تحریم‌های هوشمند در سال ۹۱ و هم‌زمان افزایش تورم ناشی از آن به دلایل متعدد دوباره درصد افراد زیر خط فقر افزایش یافته است.

هم‌چنین یافته‌های این بررسی نشان می‌دهد در برنامه‌های توسعه کشور در سال‌های پس از پیروزی انقلاب، اجرای برنامه‌های توسعه، کاهش فقر اقتصادی را به دنبال داشته است. همان‌طور که در جدول ۷ مشاهده می‌شود، متوسط درصد افراد فقیر مناطق شهری در طول برنامه اول توسعه ۵۴ درصد بوده که در طول برنامه چهارم به ۱۸ درصد رسیده است. باید توجه کرد که گرچه اجرای برنامه‌های توسعه توانسته است مطابق اهداف و انتظارات از اجرای برنامه‌ها، فقر مطلق را کاهش دهد، اما بدان معنی نیست که فقر نسبی هم کاهش یافته است.

### نتیجه‌گیری

اهمیت داشتن تعریف روشن از فقر اقتصادی و مشخص کردن ابعاد و شاخص‌های قابل سنجش آن بدان علت است که می‌تواند وضعیت و عملکرد مدیریت اقتصادی کشور را در زمینه گسترش عدالت و رفع فقر مورد ارزیابی قرار دهد و یادآور ضرورت رصد این مفهوم به عنوان زمینه‌ساز شکل‌گیری تهدید امنیت اجتماعی است. در این مقاله تلاش شد فقر اقتصادی برای جمهوری اسلامی ایران شاخص‌سازی و برای سال‌های پس از انقلاب شاخص مذکور اندازه‌گیری شود. دوره زمانی این بررسی سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۱ را دربرمی‌گیرد. برای ساختن شاخص فقر ابتدا از مفهوم خط فقر مطلق که معادل ریالی ۲ دلار در هر روز برای هر نفر است، استفاده شده است.

مجموع متوسط هزینه‌های سالانه خوراکی و غیرخوراکی هر دهک هزینه‌ای خانوارهای شهری را تقسیم بر ۳۶۵ می‌کنیم. متوسط هزینه کل روزانه به‌دست‌آمده برای هر خانوار در هر دهک هزینه‌ای بر بعد خانوار آن دهک هزینه‌ای تقسیم می‌شود تا متوسط هزینه کل روزانه برای هر نفر در هر دهک هزینه‌ای به دست آید. متوسط هزینه کل روزانه برای هر نفر در هر دهک هزینه‌ای را با خط فقر مذکور مقایسه می‌کنیم؛ اگر مخارج روزانه برای هر نفر در دهک ای.ام مساوی یا بزرگ‌تر از خط فقر محاسبه‌شده باشد، آن دهک غیر فقیر تلقی می‌شود و اگر کوچک‌تر از خط فقر باشد، آن دهک فقیر به شمار می‌آید. به این ترتیب می‌توان درصد افراد فقیر خانوارهای شهری را شناسایی کرد. در این تحقیق درصد به‌دست‌آمده به عنوان شاخص فقر مورد استفاده قرار گرفته

است. شاخص ساخته شده برای فقر در عین حال که روند نزولی را طی کرده است، در سال ۱۳۷۴ افزایش یافت و دولت وقت را با مشکلات امنیتی در شهرهای مختلف روبه‌رو کرد. سال‌های پایانی دوره مورد بررسی هم به صورت متناوب شاهد افزایش شاخص فقر بوده است که شاید بتوان نتیجه انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۹۲ را ناشی از عدم رضایت از وضعیت اقتصادی دانست. هم‌چنین یافته‌های این بررسی نشان می‌دهد در برنامه‌های توسعه کشور در سال‌های پس از پیروزی انقلاب، اجرای برنامه‌های توسعه کاهش فقر اقتصادی در مناطق شهری پیگیری شده است.

از آنجا که فقر شهری پدیده‌ای چندبعدی است، محدود به سنجش بعد پولی آن نمی‌شود، بلکه بیش از آن به شرایط بیرونی نیز اشاره دارد که مستقیماً با زندگی مردم در تماس و در آن تأثیرگذار است. در نتیجه تنها درآمد پایین یا سطح و الگوی مصرف آنها نمی‌تواند بیانگر میزان فقر باشد. بنابراین سایر حوزه‌ها از جمله سطح برخورداری از بهداشت، آموزش، تغذیه و حقوق اجتماعی، امنیت و توانمندی و اقتدار در تصمیم‌های جامعه می‌تواند بیانگر سطح فقر یا توسعه افراد و خانوارها باشد (کودل و همکاران، ۲۰۰۲: ۳۲). بنابراین برای رصد دقیق‌تر تهدیدهای امنیت ملی و اجتماعی از ناحیه فقر، محاسبه شاخص‌های دیگر ابعاد فقر ضروری به نظر می‌رسد. موارد پیش‌گفته می‌تواند آثار امنیتی این روند را کاهش دهد و تا حدود قابل توجهی کنترل کند؛ بنابراین اعمال سیاست‌های اقتصادی حمایتی از طبقات پایین اجتماعی با ایجاد اشتغال مداوم؛ برنامه‌ریزی صحیح برای درک تقاضاهای طبقات متوسط جدید؛ بالا بردن ظرفیت‌های نهادهای سیاسی، امنیتی، فرهنگی و آموزشی و فراهم کردن مشارکت مردم از طریق سرمایه‌گذاری برای تولید کالا و خدمات، صادرات و واردات، لازمه حفظ امنیت و ادامه فرایند توسعه‌ای همراه با ثبات در کشورهای در حال گذار است.

### پیشنهاد‌های تحقیق

۱. با اینکه فقدان اطلاعات مربوط به مخارج هزینه‌ای گروه‌ها یا دهک‌های هزینه‌ای خانوارهای روستایی بین سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۵۸ باعث شد که شاخص فقر فقط برای خانوارهای شهری ساخته شود، ولی حداقل برای ۱۵ سال اخیر این اطلاعات موجود است؛ بنابراین می‌توان شاخص فقر برای کل خانوارهای کشور اعم از شهری و روستایی را در این سال‌ها محاسبه کرد.



۲. برای اندازه‌گیری میزان سایر ابعاد فقر در کشور برای سال‌های اخیر می‌توان شاخص‌های دیگری همچون شاخص سن و شاخص SST را اندازه‌گیری کرد.
۳. مواردی که در تحلیل نتایج آمده، از جمله ارتباط یا اثر افزایش و کاهش شاخص فقر بر اعتراضات و ناهنجاری‌های اجتماعی و ... می‌تواند در تحقیقی مورد بررسی دقیق‌تر قرار گیرد.
۴. بررسی روند شاخص فقر در استان‌های مختلف به خصوص استان‌های محروم مرزی به دلیل حساسیت امنیتی، به تحقیقی مستقل نیازمند است.
۵. از نگاه تهدیدشناسی امنیت ملی اندازه‌گیری و پایش فقر نسبی نیز مهم است که باید در تحقیقات مستقل دیگر مورد کنکاش قرار گیرد.
۶. آستانه تحمل طبقات فرودست جامعه در طراحی و اجرای برنامه‌های اقتصادی به لحاظ امنیتی مد نظر قرار گیرد.
۷. در طراحی برنامه‌های مرتبط با فقرزدایی، توجه به سیاست‌های اشتغال‌زایی در اولویت قرار گیرد.

## منابع فارسی

- ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۸۶)، «تأملی بر مبانی و فرهنگ مکتب کپنهاگ»، فصلنامه سیاست خارجی، س ۲۱، ش ۲ (پیاپی ۸۲).
- ابو نوری، اسماعیل و نادر مالکی (۱۳۸۷)، «خط فقر در استان سمنان طی برنامه‌های توسعه (۱۳۸۳-۱۳۸۶)»، فصلنامه رفاه اجتماعی، س ۷، ش ۲۸.
- ابوالفتحی قمی، ابوالفضل (۱۳۷۱)، درآمدی بر شناخت شاخص‌های نابرابری درآمد و فقر، مرکز آمار ایران.
- آزر، ادوارد ای. و چونگ این مون (۱۳۷۹)، امنیت ملی در جهان سوم، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- آقایی، علی‌اکبر و حسن تیمورتاش (۱۳۸۹)، «بررسی رابطه و فرایند آسیب اجتماعی و امنیت اجتماعی»، فصلنامه دانشنامه، دوره ۳، ش ۷۸ (علوم سیاسی).
- باقری، فریده و حسین کاوند (۱۳۸۵)، «اندازه‌گیری شدت فقر در ایران: کاربرد شاخص SST»، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، س ۵، ش ۲۰.
- براتی، محمدعلی (۱۳۹۰)، رویکردی نوین در محاسبه فقر، مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، چاپ اول.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۲)، انقلاب و بسیج سیاسی، تهران: دانشگاه تهران.
- بیانات مقام معظم رهبری از سایت: <http://farsi.khamenei.ir>
- پیران، پرویز (۱۳۸۴)، «فقر و جنبش‌های اجتماعی در ایران»، رفاه اجتماعی، دوره ۵، ش ۸ (فقر و نابرابری در ایران).
- تشکر، زهرا (۱۳۸۳)، «جهانی‌شدن، فقر و نابرابری: تردید در شاخص‌ها و اندازه‌گیری»، مجلس و راهبرد، ش ۴۳.
- جلالی، محسن (۱۳۸۷)، «بررسی و برآورد ضریب جینی در ایران»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، س ۱۲، ش ۳۶.
- چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی از سایت: <http://rc.majlis.ir>
- حسنی فر، عبدالرحمن (۱۳۸۳)، «دولت و امنیت اجتماعی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، مجله دین و ارتباطات، ش ۲۳.
- خانی، فضیلت خانی و مریم مردانی (آزاده) (۱۳۸۷)، «توسعه‌یافتگی و شاخص‌های فقر انسانی و جنسیتی»، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۶، ش ۴.
- خدادادکاشی، فرهاد (۱۳۷۷)، «اندازه‌گیری فقر در ایران برحسب خصوصیات اجتماعی و اقتصادی خانوارها: کاربرد شاخص «سن» در ایران»، پژوهشنامه بازرگانی، فصلنامه ش ۸.
- خدادادکاشی، فرهاد، فریده باقری، خلیل حیدری، امید خدادادکاشی (۱۳۸۱)، اندازه‌گیری





- شاخص‌های فقر در ایران، کاربرد انواع خط فقر، شکاف فقر، شاخص فقر، ۱۳۷۹-۱۳۶۳، مرکز آمار ایران.
- خدادادکاشی، فرهاد، خلیل حیدری و فریده باقری (۱۳۸۴)، «برآورد خط فقر در ایران طی سال‌های ۱۳۷۹ - ۱۳۶۳»، فصلنامه رفاه اجتماعی، س ۴، ش ۱۷.
- ربیعی، علی (۱۳۸۹)، «شکاف درآمدی، دغدغه امنیتی کشورهای در حال گذار؛ مطالعه موردی ایران»، فصلنامه راهبرد، س ۱۹، ش ۵۷.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۹)، توسعه و تضاد: کوششی در جهت تحلیل علل پیدایش انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- رییس دانا، فریبرز (۱۳۸۴)، «اندازه‌گیری شاخص و پویای فقر در ایران»، فصلنامه رفاه اجتماعی، س ۴، ش ۱۷.
- زریباف، سید مهدی و همکاران (۱۳۸۵)، الگوی جامع نهضت ملی مبارزه با فقر در ایران (فاز اول)، دانشگاه تهران مؤسسه توسعه و تحقیقات اقتصادی.
- زکریایی، محمدعلی (۱۳۹۰)، بررسی و تحلیل محتوای دیدگاه‌های مسئولان و دست‌اندرکاران حوزه مبارزه با مواد مخدر با نگاهی به سیاست‌های کلی نظام (بر اساس ارکان رسمی ستاد مبارزه با مواد مخدر، ۹۰-۱۳۸۴)، گروه مطالعات مواد مخدر و اعتیاد (جامعه و فرهنگ).
- زیدی، راضیه (۱۳۷۸)، اثر سیاست‌های تعدیل بر فقر و توزیع درآمد (در اقتصاد ایران ۱۳۳۸-۱۳۷۲)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- شریفی، محسن (۱۳۸۵)، «فقر؛ تهدید امنیت بین‌المللی در قرن ۲۱»، راهبرد، ش ۳۹.
- شهبازی، نجف علی، بهروز صادقی عمروآبادی و سید علیرضا موسوی (۱۳۹۰)، «بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر امنیت اجتماعی»، فصلنامه آفاق امنیت، ش ۱۲.
- صادقی، حسین، عباس عساری و ارشک مسائلی (۱۳۸۹)، «رویکردی نو به برآورد شاخص رفاه در ایران با استفاده از منطق فازی طی سال‌های ۱۳۸۵ - ۱۳۵۳»، فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه پایدار، س ۱۰، ش ۴.
- صالحی امیری، سیدرضا و افسر افشاری نادری (۱۳۹۰)، «مبانی نظری و راهبردی مدیریت ارتقای امنیت اجتماعی و فرهنگی در تهران»، فصلنامه راهبرد، س ۲۰، ش ۵۹.
- صالحی، سید رضا (۱۳۸۶)، «شناخت چالش‌ها و بحران‌های قومی و الزامات مدیریت تنوع»، پژوهشنامه، ش ۸، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی.
- صحیفه نور، جلد ۲۰ از سایت [www.jamaran.ir](http://www.jamaran.ir)
- صمدی، سعید (۱۳۷۸)، کاهش فقر، کارایی و برابری در ایران، رساله دکتری دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
- طالب، مهدی (۱۳۸۱)، تأمین اجتماعی، مشهد: آستان قدس رضوی، دانشگاه امام رضا (ع).

- عظیمی، حسین (۱۳۷۱)، مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران، چ ۷، نشر نی، ۱۳۸۵.
- فرجی راد، عبدالرضا (۱۳۸۲)، «فقر اقتصادی امنیت ملی را آشفته می‌کند»، روند اقتصادی، ش ۵.
- قاسمی، محمدعلی (۱۳۹۳)، «مردم‌سالاری دینی و امنیت اجتماعی؛ با نگاهی انتقادی به لیبرالیسم و جامعه‌گرایی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، س ۱۷، ش ۲ (پیاپی ۶۴).
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از سایت: <http://rc.majlis.ir>
- کانبور، راوی و اسکوایر لین (۱۳۸۲)، «تطور تفکر درباره فقر: کشف کنش‌های متقابل»، در پیشگامان اقتصاد توسعه: آینده در چشم‌انداز، ویراستار - جerald میر و جوزف استیگلیتز، مترجم غلام‌رضا آزاد (ارمکی)، چ ۱، تهران: نشر نی.
- کلانتری، صمد، رسول ربانی و کامران صداقت (۱۳۸۴)، «ارتباط فقر با قانون‌گریزی و شکل‌گیری آسیب اجتماعی»، رفاه اجتماعی، ش ۱۸.
- گر، تدرابرت (۱۳۸۸)، چرا انسان‌ها شورش می‌کنند؟، ترجمه علی مرشدی زاد، چ ۳، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- گرجی، هادی (۱۳۸۴)، برآورد شاخص‌های فقر به روش HLES در مناطق شهری استان همدان طی سال‌های ۶۹-۷۹، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بوعلی سینا.
- گزارش مرکز آمار ایران (۱۳۸۷) از سایت [www.amar.org.ir](http://www.amar.org.ir)
- محمدی، مجید (۱۳۷۳)، «رسانه‌ها و مقتضیات امنیت اجتماعی»، مجله جامعه سالم، ش ۱۷.
- محمودی، وحید و سید قاسم صمیمی فر (۱۳۸۴)، «فقر قابلیت در ایران»، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، گروه پژوهش و رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی، س ۴، ش ۱۷.
- نصری، قدیر (۱۳۸۱)، «معنا و ارکان جامعه‌شناسی امنیت، امنیت پایدار، سرمایه اجتماعی»، مجله راهبرد، ش ۲۶.
- نویدنیا، منیژه (۱۳۸۲)، «درآمدی بر امنیت اجتماعی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، س ۶، ش ۱۹.
- نویدنیا، منیژه (۱۳۸۵)، «گفتمانی پیرامون امنیت اجتماعی»، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، ش ۴ و ۵، بهار.
- هادی زنوز، بهروز (۱۳۸۴)، «فقر و نابرابری درآمد در ایران»، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، گروه پژوهش و رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی، س ۴، ش ۱۷.
- هانری، پل مارک (۱۳۷۴)، فقر، پیشرفت و توسعه، ترجمه مسعود محمدی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.



- Atwood, J. Brian (۲۰۰۳), "The Link Between Poverty and Violent Conflict," *New England Journal of Public Policy*: Vol. 19: Iss. 1, Article 10.
- Buzan, Barry (2000), "Security Studies: Beyond Strategy".
- Buzan, Barry, (1991), *People, States and Fear*, London: Harvester Wheatsheaf.
- Coudel, Hentschel and Wodon (۲۰۰۲), "Poverty Measurement and Analysis" in World Bank, A Sourcebook for Poverty Reduction Strategies, Chapter ۱ <http://web.worldbank.org/WBSITE/EXTERNAL/TOPICS/EXTPOVERTY>. ۳/۱/۲۰۰۸.
- Harvey D. L. (۱۹۹۳), *Potter Addition: Poverty, Family, and Kinship in a Heartland Community*, Social Institutions and Social Change, Aldine.
- World Bank Institute August (۲۰۰۵), "Introduction to Poverty Analysis".

جدول ۱- هزینه‌های سالانه گروه‌های هزینه‌های خانوارهای شهری بین سال‌های ۱۳۷۲-۱۳۵۸ (هزار ریال)

سال	هزینه‌های سالانه گروه هزینه اول	هزینه‌های سالانه گروه هزینه دوم	هزینه‌های سالانه گروه هزینه سوم	هزینه چهارم	هزینه پنجم	هزینه ششم	هزینه هفتم	هزینه هشتم	هزینه نهم	هزینه دهم
۱۳۵۸	۲۰۰۲۲	۴۶۰۳۶	۷۵۰۸۲	۱۰۵۰۳۵	۱۵۰۰۰۴	۲۰۰۹۳۳	۲۹۹۰۵۸	۴۶۶۰۸۵	۸۲۹۰۴۷	۲۲۰۰۱۶۳
۱۳۵۹	۱۹۰۲۵	۴۵۰۹۱	۷۵۰۳۴	۱۰۵۰۷۱	۱۵۰۱۷۱	۲۱۰۰۰۱	۲۹۹۰۰	۴۶۸۰۶۹	۸۱۴۰۷۲	۱۸۱۳۰۳۸
۱۳۶۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰
۱۳۶۱	۱۵۰۵۴	۱۸۲۰۹۶	۳۰۰۰۳۷	۴۱۸۰۹۱	۵۳۷۰۸۲	۷۳۸۰۷۹	۱۰۰۳۹۰۵۲	۱۴۴۹۰۶۵	۲۰۰۷۲۳۴	۳۴۳۷۰۶۳
۱۳۶۲	۱۴۰۲۰	۱۸۶۰۰۱	۳۰۰۰۲۴	۴۱۸۰۱۶	۵۳۸۰۳۵	۷۴۲۰۵۲	۱۰۰۴۰۳۹	۱۴۶۰۰۹۹	۲۰۰۲۰۵۱	۳۶۰۰۸۶۵
۱۳۶۳	۲۳۰۳۵	۱۸۳۰۰۵	۳۰۰۰۸۰	۴۲۱۰۶۴	۵۴۰۰۶۹	۷۴۵۰۵۲	۱۰۰۲۳۰۷	۱۴۵۶۰۸۳	۱۹۸۸۰۵۵	۳۶۹۳۰۲۱
۱۳۶۴	۶۸۰۵۸	۱۸۵۰۶۷	۳۰۰۳۰۳	۴۱۹۰۰۹	۴۴۰۰۵	۷۴۴۰۵۲	۱۰۰۳۷۰۶	۱۴۵۶۰۸۶	۲۰۰۶۲۶۸	۳۷۰۰۶۱۵
۱۳۶۵	۷۸۰۲۸	۱۸۷۰۲۹	۳۰۰۷۲۳	۴۱۹۰۷۸	۵۴۲۰۳۷	۷۴۸۰۹۵	۱۰۰۴۵۰۸۹	۱۴۶۵۰۱۱	۲۰۰۵۲۴۷	۳۸۷۰۰۴۵
۱۳۶۶	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰
۱۳۶۷	۴۰۰۴۵	۱۸۵۰۲۳	۲۹۹۰۵۴	۴۱۸۰۰۷	۵۴۴۰۵۴	۷۵۵۰۷۹	۱۰۰۳۸۰۵۲	۱۴۸۵۰۰۵	۲۰۰۸۲۰۶۵	۳۹۹۸۰۶۶
۱۳۶۸	۵۹۶۰۹	۱۸۵۰۱۰	۳۰۰۷۶۶	۴۲۱۰۰	۵۴۲۰۳۶	۷۵۸۰۴۵	۱۰۰۵۲۰۸۳	۱۴۸۶۰۵۵	۲۰۰۸۲۰۶۷	۴۲۶۳۰۷۷
۱۳۶۹	۸۳۰۰	۷۰۰۸۶۳	۱۰۰۵۶۳۳	۱۴۹۵۰۷۸	۲۰۰۰۰۹۲	۳۵۷۹۰۲۲	۲۰۰۰۵۱۵	۳۳۵۰۱۳	۳۸۸۱۰۵۲	۶۵۸۷۰۷۵
۱۳۷۰	۷۶۰۲۶	۷۰۰۸۳۹	۱۰۰۵۶۹	۱۵۰۰۲۵۳	۲۰۰۸۰۹۳	۳۵۹۶۰۲۷	۲۹۷۹۰۲۷	۳۳۵۰۷۸	۳۸۸۰۰۶	۷۲۸۳۰۵۹
۱۳۷۱	۲۹۷۰۵۴	۷۱۶۰۲۳	۱۰۰۵۱۰۳	۱۵۱۳۰۳۵	۲۰۰۹۴۰۱۲	۳۵۹۵۰۸۶	۲۹۹۰۱۹	۳۴۰۰۰۵	۳۸۸۰۱۱	۷۳۶۷۰۹۵
۱۳۷۲	۱۳۱۰۶۱	۹۹۹۰۳۷	۱۵۱۰۰۰	۲۱۰۰۸۶۴	۳۸۸۷۰۱۸	۳۵۹۹۰۷۴	۴۴۲۰۱۴	۵۷۱۱۰۷۸	۷۵۷۲۰۶۹	۱۳۶۷۰۳۱
۱۳۷۳	۶۷۳۰۳۰	۹۸۷۰۹۱	۱۵۱۴۰۸۳	۲۱۱۵۰۲۸	۳۸۰۰۵۰	۳۵۹۳۰۰۷	۴۴۸۰۵۳	۵۷۱۲۰۱۰	۷۶۰۰۶۷۵	۱۴۶۵۳۰۶۹

جدول ۱- هزینه‌های سالانه گروه‌های هزینه‌های خانوارهای شهری بین سال‌های ۱۳۷۲-۱۳۵۸ (هزار ریال)

سال	هزینه‌های سالانه گروه هزینه اول	هزینه‌های سالانه گروه هزینه دوم	هزینه‌های سالانه گروه هزینه سوم	هزینه چهارم	هزینه پنجم	هزینه ششم	هزینه هفتم	هزینه هشتم	هزینه نهم	هزینه دهم
۱۳۵۸	۲۰۰۲۲	۴۶۰۳۶	۷۵۰۸۲	۱۰۵۰۳۵	۱۵۰۰۰۴	۲۰۰۹۳۳	۲۹۹۰۵۸	۴۶۶۰۸۵	۸۲۹۰۴۷	۲۲۰۰۱۶۳
۱۳۵۹	۱۹۰۲۵	۴۵۰۹۱	۷۵۰۳۴	۱۰۵۰۷۱	۱۵۰۱۷۱	۲۱۰۰۰۱	۲۹۹۰۰	۴۶۸۰۶۹	۸۱۴۰۷۲	۱۸۱۳۰۳۸
۱۳۶۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰
۱۳۶۱	۱۵۰۵۴	۱۸۲۰۹۶	۳۰۰۰۳۷	۴۱۸۰۹۱	۵۳۷۰۸۲	۷۳۸۰۷۹	۱۰۰۳۹۰۵۲	۱۴۴۹۰۶۵	۲۰۰۷۲۳۴	۳۴۳۷۰۶۳
۱۳۶۲	۱۴۰۲۰	۱۸۶۰۰۱	۳۰۰۰۲۴	۴۱۸۰۱۶	۵۳۸۰۳۵	۷۴۲۰۵۲	۱۰۰۴۰۳۹	۱۴۶۰۰۹۹	۲۰۰۲۰۵۱	۳۶۰۰۸۶۵
۱۳۶۳	۲۳۰۳۵	۱۸۳۰۰۵	۳۰۰۰۸۰	۴۲۱۰۶۴	۵۴۰۰۶۹	۷۴۵۰۵۲	۱۰۰۲۳۰۷	۱۴۵۶۰۸۳	۱۹۸۸۰۵۵	۳۶۹۳۰۲۱
۱۳۶۴	۶۸۰۵۸	۱۸۵۰۶۷	۳۰۰۳۰۳	۴۱۹۰۰۹	۴۴۰۰۵	۷۴۴۰۵۲	۱۰۰۳۷۰۶	۱۴۵۶۰۸۶	۲۰۰۶۲۶۸	۳۷۰۰۶۱۵
۱۳۶۵	۷۸۰۲۸	۱۸۷۰۲۹	۳۰۰۷۲۳	۴۱۹۰۷۸	۵۴۲۰۳۷	۷۴۸۰۹۵	۱۰۰۴۵۰۸۹	۱۴۶۵۰۱۱	۲۰۰۵۲۴۷	۳۸۷۰۰۴۵
۱۳۶۶	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰
۱۳۶۷	۴۰۰۴۵	۱۸۵۰۲۳	۲۹۹۰۵۴	۴۱۸۰۰۷	۵۴۴۰۵۴	۷۵۵۰۷۹	۱۰۰۳۸۰۵۲	۱۴۸۵۰۰۵	۲۰۰۸۲۰۶۵	۳۹۹۸۰۶۶
۱۳۶۸	۵۹۶۰۹	۱۸۵۰۱۰	۳۰۰۷۶۶	۴۲۱۰۰	۵۴۲۰۳۶	۷۵۸۰۴۵	۱۰۰۵۲۰۸۳	۱۴۸۶۰۵۵	۲۰۰۸۲۰۶۷	۴۲۶۳۰۷۷
۱۳۶۹	۸۳۰۰	۷۰۰۸۶۳	۱۰۰۵۶۳۳	۱۴۹۵۰۷۸	۲۰۰۰۰۹۲	۳۵۷۹۰۲۲	۲۰۰۰۵۱۵	۳۳۵۰۱۳	۳۸۸۱۰۵۲	۶۵۸۷۰۷۵
۱۳۷۰	۷۶۰۲۶	۷۰۰۸۳۹	۱۰۰۵۶۹	۱۵۰۰۲۵۳	۲۰۰۸۰۹۳	۳۵۹۶۰۲۷	۲۹۷۹۰۲۷	۳۳۵۰۷۸	۳۸۸۰۰۶	۷۲۸۳۰۵۹
۱۳۷۱	۲۹۷۰۵۴	۷۱۶۰۲۳	۱۰۰۵۱۰۳	۱۵۱۳۰۳۵	۲۰۰۹۴۰۱۲	۳۵۹۵۰۸۶	۲۹۹۰۱۹	۳۴۰۰۰۵	۳۸۸۰۱۱	۷۳۶۷۰۹۵
۱۳۷۲	۱۳۱۰۶۱	۹۹۹۰۳۷	۱۵۱۰۰۰	۲۱۰۰۸۶۴	۳۸۸۷۰۱۸	۳۵۹۹۰۷۴	۴۴۲۰۱۴	۵۷۱۱۰۷۸	۷۵۷۲۰۶۹	۱۳۶۷۰۳۱
۱۳۷۳	۶۷۳۰۳۰	۹۸۷۰۹۱	۱۵۱۴۰۸۳	۲۱۱۵۰۲۸	۳۸۰۰۵۰	۳۵۹۳۰۰۷	۴۴۸۰۵۳	۵۷۱۲۰۱۰	۷۶۰۰۶۷۵	۱۴۶۵۳۰۶۹



جدول ۳- شاخص کل بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران (شاخص تورم) (۱۳۹۰=۱۰۰)

سال	عدد شاخص	سال	عدد شاخص	سال	عدد شاخص	سال	عدد شاخص
۱۳۵۸	-۳۸	۱۳۶۷	۱،۹۱	۱۳۷۶	۱۳،۱۴	۱۳۸۵	۴۴،۵۳
۱۳۵۹	-۲۷	۱۳۶۸	۲،۲۴	۱۳۷۷	۱۵،۵۲	۱۳۸۶	۵۲،۷۴
۱۳۶۰	-۵۸	۱۳۶۹	۲،۴۴	۱۳۷۸	۱۸،۶۴	۱۳۸۷	۶۶،۱۲
۱۳۶۱	-۶۹	۱۳۷۰	۲،۹۵	۱۳۷۹	۲۰،۹۹	۱۳۸۸	۷۳،۲۳
۱۳۶۲	-۷۹	۱۳۷۱	۳،۶۷	۱۳۸۰	۲۳،۳۸	۱۳۸۹	۸۲،۳۱
۱۳۶۳	-۸۸	۱۳۷۲	۴،۵	۱۳۸۱	۲۷،۰۷	۱۳۹۰	۱۰۰
۱۳۶۴	-۹۴	۱۳۷۳	۶،۰۹	۱۳۸۲	۳۱،۳۱	۱۳۹۱	۱۳۰،۵۴
۱۳۶۵	۱،۱۶	۱۳۷۴	۹،۰۹	۱۳۸۳	۳۶،۰۷		
۱۳۶۶	۱،۴۸	۱۳۷۵	۱۱،۲۱	۱۳۸۴	۳۹،۰۸		

جدول ۴- هزینه‌های روزانه هر فرد گروه‌های هزینه‌های خانوارهای شهری بین سال‌های ۱۳۷۲-۱۳۵۸ به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰ (ریال)

سال	هزینه‌های گروه هزینه اول	هزینه‌های گروه هزینه دوم	هزینه‌های گروه هزینه سوم	هزینه‌های گروه هزینه چهارم	هزینه‌های گروه هزینه پنجم	هزینه‌های گروه هزینه ششم	هزینه‌های گروه هزینه هفتم	هزینه‌های گروه هزینه هشتم	هزینه‌های گروه هزینه نهم	هزینه‌های گروه هزینه دهم
۱۳۵۸	۵۶۰۸	۱۰۷۲۲	۱۴۱۱۵	۱۷۱۷۶	۲۲۹۶۵	۳۰۰۵۶	۴۱۰۷۱	۶۲۴۴۱	۱۰۸۹۷۷	۲۸۱۶۳۴
۱۳۵۹	۴۳۱۶	۸۶۰۱	۱۱۳۳۹	۱۳۳۹۴	۱۸۷۵۸	۲۴۳۶۸	۳۳۳۵۵	۵۰۶۰۱	۸۶۵۴۳	۱۸۷۵۴۹
۱۳۶۰										
۱۳۶۱	۲۴۶۸	۲۱۳۶۶	۲۹۰۹۰	۳۷۸۰۳	۴۴۴۸۹	۵۸۶۶۹	۸۰۹۳۲	۱۰۸۶۰۴	۱۵۰۵۴۱	۲۴۳۷۴۲
۱۳۶۲	۲۲۱۵۰	۲۰۸۰۹	۲۷۶۱۹	۳۷۳۲۵	۳۸۹۰۳	۵۱۹۸۷	۶۷۰۵۸	۹۳۴۸۲	۱۲۶۳۷۵	۲۰۸۵۸۰
۱۳۶۳	۹۵۹۰۰	۲۰۳۵۳	۲۵۳۹۵	۳۱۲۵۵	۳۶۵۴۴	۴۷۵۵۹	۶۲۴۸۸	۸۳۹۲۲	۱۱۰۵۵۴	۲۰۱۷۲۲
۱۳۶۴	۹۰۸۶۰	۱۸۰۲۸	۲۳۸۷۸	۲۸۰۰۶	۳۷۸۱۸	۴۴۲۵۸	۵۷۰۶۹	۷۸۶۳۳	۱۰۹۲۰۷	۱۹۲۸۹۲
۱۳۶۵	۸۰۵۸۰	۱۵۳۵۸	۱۹۶۱۱	۲۳۵۳۳	۲۸۴۶۷	۳۶۸۵۲	۴۸۴۴۵	۶۵۳۴۹	۹۵۰۵۱	۱۶۶۲۸۴
۱۳۶۶										
۱۳۶۷	۱۷۶۰۲۰	۱۰۰۲۳۰	۱۳۰۲۰	۱۶۲۲۶	۱۸۵۹۸	۲۳۰۶۶	۳۰۶۰۱	۴۰۱۹۲	۵۳۳۱۶	۱۰۴۲۸۶
۱۳۶۸	۲۲۸۰۷۰	۸۷۰۷۰	۱۲۹۷۶	۱۴۲۲۱	۱۵۷۹۱	۲۱۰۸۳	۲۶۸۲۷	۳۳۹۶۵	۴۹۰۲۷	۹۳۱۲۵
۱۳۶۹	۳۳۲۸۰	۱۸۹۶۵	۲۷۷۲۲	۳۱۱۰۲	۴۲۴۸۲	۴۹۹۳۲	۶۰۲۵۵	۶۶۸۸۰	۷۵۴۲۳	۱۷۷۵۳۴
۱۳۷۰	۲۷۱۷۰	۱۶۷۲۰	۲۰۴۲۲	۲۶۲۴۲	۳۶۲۴۲	۴۴۴۴۲	۴۷۸۲۸	۵۵۰۲۹	۶۶۳۲۹	۱۱۹۹۴۵
۱۳۷۱	۹۳۷۲۰	۱۵۴۵۵	۱۹۲۸۳	۲۴۵۰۸	۳۱۳۹۲	۳۶۱۵۴	۴۲۷۵۲	۴۲۷۵۲	۵۳۹۲۷	۹۶۸۲۷
۱۳۷۲	۳۵۹۲۳	۲۰۰۱۵	۲۱۴۹۱	۲۸۱۵۳	۳۵۰۶۰	۴۱۶۶۶	۴۷۸۷۹	۴۳۶۸۰	۸۱۷۵۷	۱۴۵۶۰۰
۱۳۷۳	۱۱۷۸۵۰	۱۵۷۶۰	۱۸۳۱۹	۲۲۷۱۱	۲۶۶۸۴	۳۳۴۵۸	۳۹۱۳۳	۴۸۳۲۴	۶۲۴۴۷	۱۲۱۴۰۵



جدول ۴- هزینه‌های روزانه هر فرد گروه‌های هزینه‌ای خانوارهای شهری بین سال‌های ۱۳۷۲-۱۳۵۸ به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰ (ریال)

سال	هزینه‌های روزانه هر فرد گروه هزینه اول	هزینه‌های روزانه هر فرد گروه هزینه دوم	هزینه‌های روزانه هر فرد گروه هزینه سوم	هزینه‌های روزانه هر فرد گروه هزینه چهارم	هزینه‌های روزانه هر فرد گروه هزینه پنجم	هزینه‌های روزانه هر فرد گروه هزینه ششم	هزینه‌های روزانه هر فرد گروه هزینه هفتم	هزینه‌های روزانه هر فرد گروه هزینه هشتم	هزینه‌های روزانه هر فرد گروه هزینه نهم	هزینه‌های روزانه هر فرد گروه هزینه دهم
۱۳۵۸	۵۶۰۸	۱۰۷۴۲	۱۴۱۱۵	۱۷۱۷۶	۲۲۹۴۵	۳۰۰۵۶	۴۱۰۷۱	۶۲۴۴۱	۱۰۸۹۷۷	۲۸۱۶۲۴
۱۳۵۹	۴۲۱۶	۸۶۰۱	۱۱۲۳۹	۱۳۳۹۴	۱۸۷۵۸	۲۴۴۶۸	۳۳۴۵۵	۵۰۶۰۱	۸۶۵۴۳	۱۸۷۵۴۹
۱۳۶۰										
۱۳۶۱	۲۴۶۸	۲۱۲۶۶	۲۹۰۹۰	۳۷۸۰۳	۴۴۶۸۹	۵۸۶۶۹	۸۰۹۳۳	۱۰۸۶۰۴	۱۵۰۵۴۱	۲۴۳۷۴۲
۱۳۶۲	۲۲۱۵۰	۲۰۸۰۹	۲۷۶۱۹	۳۲۷۳۵	۳۸۹۰۳	۵۱۸۷۷	۶۷۰۵۸	۹۳۸۸۲	۱۲۳۷۵۵	۲۰۸۵۸۰
۱۳۶۳	۴۹۹۰۰	۲۰۲۵۳	۲۵۳۹۵	۳۱۷۵۵	۳۶۵۹۴	۴۷۵۵۹	۶۲۶۸۸	۸۳۹۹۲	۱۱۰۰۵۵۴	۲۰۱۷۲۲
۱۳۶۴	۹۰۸۶۰	۱۸۰۳۸	۲۲۸۷۸	۲۸۲۰۶	۳۷۸۱۸	۴۴۳۵۸	۵۷۰۶۹	۷۸۶۳۳	۱۰۹۲۰۷	۱۹۲۸۹۲
۱۳۶۵	۸۰۵۸۰	۱۵۲۵۸	۱۹۶۱۱	۲۳۵۲۳	۲۸۴۶۷	۳۶۸۵۲	۴۸۳۲۵	۶۵۲۸۹	۹۵۰۵۱	۱۶۹۲۸۴
۱۳۶۶										
۱۳۶۷	۱۷۶۰۲	۱۰۲۳۰	۱۳۰۲۰	۱۶۴۲۶	۱۸۵۹۸	۲۳۰۶۶	۳۰۴۰۱	۴۰۱۹۲	۵۴۳۱۶	۱۰۴۲۸۶
۱۳۶۸	۲۲۸۰۷	۸۷۰۷	۱۲۹۷۶	۱۴۲۲۱	۱۵۷۹۱	۲۱۰۸۳	۲۶۸۲۷	۳۴۳۶۵	۴۹۰۳۷	۹۳۱۲۵
۱۳۶۹	۳۳۳۸	۱۸۹۴۵	۲۲۷۲۲	۳۱۱۰۲	۴۴۸۸۲	۴۹۹۲۲	۶۰۲۵۵	۶۶۸۸۰	۷۵۱۴۳	۱۲۷۵۲۴
۱۳۷۰	۲۷۱۷۰	۱۶۷۴۰	۲۰۴۲۲	۲۶۸۳۵	۳۶۴۴۳	۴۴۴۴۵	۶۷۸۳۸	۹۰۲۹۰	۱۱۹۴۶۵	۱۱۹۴۶۵
۱۳۷۱	۹۲۷۲۰	۱۵۵۵۵	۱۹۲۸۲	۲۴۵۰۸	۳۱۳۹۲	۳۶۱۵۴	۴۲۷۲۸	۶۱۲۷۸	۷۹۳۷۲	۹۶۸۲۷
۱۳۷۲	۳۵۹۳	۲۰۰۱۵	۲۱۹۹۱	۲۸۱۵۳	۳۵۰۶۰	۴۱۶۶۶	۶۷۸۷۹	۹۶۶۹۰	۸۱۷۲۷	۱۴۶۵۰۰
۱۳۷۳	۱۱۷۸۵۰	۱۵۷۶۰	۱۸۳۱۹	۲۲۷۱۱	۲۶۶۸۴	۳۲۴۵۸	۳۹۱۳۳	۴۸۳۲۴	۶۲۴۴۷	۱۲۱۴۰۵

جدول ۵- هزینه‌های سالانه دهک‌های هزینه‌ای خانوارهای شهری بین سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۷۲ (هزار ریال)

سال	هزینه‌های سالانه دهک اول	هزینه‌های سالانه دهک دوم	هزینه‌های سالانه دهک سوم	هزینه‌های سالانه دهک چهارم	هزینه‌های سالانه دهک پنجم	هزینه‌های سالانه دهک ششم	هزینه‌های سالانه دهک هفتم	هزینه‌های سالانه دهک هشتم	هزینه‌های سالانه دهک نهم	هزینه‌های سالانه دهک دهم
۱۳۷۴	۱,۷۳۵,۵	۳,۱۶۶,۴	۴,۱۹۴,۵	۵,۰۹۷,۶	۶,۱۳۱,۴	۷,۳۴۲,۲	۸,۷۲۲,۰	۱۰,۶۷۷,۷	۱۳,۹۹۶,۰	۲۵,۳۰۰,۷
۱۳۷۵	۲,۳۰۰,۴	۴,۰۹۱,۳	۵,۳۴۵,۴	۶,۶۷۱,۳	۷,۹۴۰,۰	۹,۴۶۵,۹	۱۱,۴۴۱,۱	۱۳,۸۳۴,۲	۱۸,۱۰۰,۰	۳۱,۶۳۹,۴
۱۳۷۶	۳,۸۵۳,۳	۵,۱۲۰,۵	۶,۷۰۱,۴	۸,۱۸۲,۹	۹,۶۹۹,۳	۱۱,۴۰۶,۵	۱۳,۴۰۸,۰	۱۶,۲۶۸,۸	۲۱,۰۱۷,۲	۳۸,۶۵۸,۸
۱۳۷۷	۳,۵۵۱,۴	۶,۳۹۱,۷	۸,۳۸۰,۲	۱۰,۱۲۲,۵	۱۲,۰۰۲,۵	۱۴,۲۰۷,۳	۱۷,۰۹۱,۶	۲۰,۶۶۸,۷	۲۶,۸۶۰,۹	۴۷,۲۵۸,۸
۱۳۷۸	۴,۳۸۹,۶	۷,۵۷۸,۱	۹,۹۱۰,۹	۱۲,۰۶۱,۳	۱۴,۳۸۸,۸	۱۶,۸۳۷,۲	۲۰,۳۶۷,۹	۲۴,۴۹۱,۳	۳۱,۶۶۶,۴	۵۷,۵۳۳,۸
۱۳۷۹	۴,۸۳۵,۵	۸,۵۲۰,۶	۱۱,۲۶۵,۲	۱۳,۸۰۱,۰	۱۶,۱۳۸,۸	۱۸,۸۸۸,۳	۲۲,۷۸۳,۴	۲۷,۵۳۳,۶	۳۶,۱۴۲,۱	۶۹,۰۵۵,۵
۱۳۸۰	۶,۴۷۷,۳	۹,۸۱۶,۶	۱۲,۹۰۸,۲	۱۵,۸۵۱,۸	۱۸,۹۸۰,۲	۲۲,۴۸۱,۷	۲۶,۳۶۵,۵	۳۱,۶۶۸,۳	۴۲,۵۸۰,۰	۸۳,۶۳۷,۷
۱۳۸۱	۶,۵۰۲,۲	۱۱,۳۲۰,۴	۱۴,۶۵۵,۵	۱۹,۶۸۷,۹	۲۳,۳۵۹,۴	۲۷,۶۳۷,۴	۳۲,۷۴۴,۵	۴۰,۰۰۹,۱	۵۲,۴۹۳,۲	۱۰۰,۵۱۶,۸
۱۳۸۲	۸,۳۲۱,۱	۱۶,۰۰۲,۱	۲۰,۳۰۲,۲	۲۶,۳۶۷,۷	۳۸,۶۶۵,۹	۴۶,۹۲۹,۹	۵۸,۰۰۰,۳	۷۰,۶۵۲,۹	۸۶,۶۶۶,۴	۱۱۵,۲۵۶,۵
۱۳۸۳	۹,۷۱۶,۸	۱۸,۷۹۶,۲	۲۴,۸۰۶,۶	۳۹,۸۱۱,۸	۵۵,۵۵۶,۷	۶۱,۸۶۷,۵	۷۰,۰۲۵,۳	۸۰,۹۸۰,۸	۱۰۰,۰۰۰,۰	۱۴۵,۷۶۷,۰
۱۳۸۴	۱۱,۱۰۱,۶	۲۰,۷۸۵,۵	۲۶,۹۳۵,۵	۳۲,۷۶۶,۶	۳۹,۲۳۵,۱	۴۶,۶۲۱,۴	۵۵,۶۰۸,۸	۶۸,۳۹۰,۶	۸۰,۱۲۱,۵	۱۶۶,۸۷۹,۰
۱۳۸۵	۱۱,۸۳۸,۰	۲۲,۳۲۰,۸	۲۹,۰۸۸,۱	۳۵,۸۰۶,۷	۴۲,۹۰۰,۲	۵۱,۷۳۲,۰	۶۲,۲۲۲,۲	۷۷,۴۳۵,۲	۱۰۰,۲۵۶,۸	۱۸۸,۱۶۶,۱
۱۳۸۶	۱۴,۳۶۵,۲	۲۷,۴۰۶,۲	۳۵,۷۳۵,۵	۴۲,۶۸۸,۹	۵۲,۴۵۸,۸	۶۲,۴۸۶,۶	۷۴,۸۰۵,۵	۹۲,۱۰۵,۴	۱۲۰,۵۳۸,۵	۲۲۴,۶۹۸,۸
۱۳۸۷	۲۱,۰۴۱,۱	۳۹,۵۶۹,۹	۴۷,۵۶۹,۹	۵۸,۰۵۹,۹	۶۸,۶۷۷,۷	۸۱,۳۳۹,۵	۹۶,۲۰۷,۷	۱۱۶,۳۸۰,۰	۱۵۰,۸۳۶,۵	۲۴۶,۶۲۵,۸
۱۳۸۸	۲۱,۲۱۶,۷	۳۸,۴۶۸,۸	۴۰,۳۷۵,۰	۴۰,۳۷۵,۰	۴۰,۳۷۵,۰	۴۰,۳۷۵,۰	۴۰,۳۷۵,۰	۴۰,۳۷۵,۰	۴۰,۳۷۵,۰	۳۷۱,۸۸۷,۳
۱۳۸۹	۲۳,۷۷۳,۳	۴۵,۰۴۴,۵	۵۷,۸۴۹,۹	۶۹,۸۶۰,۱	۸۲,۷۶۹,۹	۹۷,۸۴۴,۲	۱۱۵,۶۶۰,۷	۱۴۰,۰۰۰,۰	۱۸۱,۲۵۷,۵	۳۳۲,۱۱۹,۳
۱۳۹۰	۳۳,۹۶۶,۳	۵۶,۹۳۳,۸	۷۱,۸۹۶,۶	۸۶,۱۹۰,۳	۱۰۰,۸۷۶,۴	۱۱۸,۵۶۸,۸	۱۳۸,۵۸۲,۲	۱۶۹,۸۵۷,۷	۲۰۹,۸۲۷,۲	۳۷۷,۹۱۸,۰
۱۳۹۱	۴۱,۸۸۷,۸	۶۱,۸۸۷,۸	۸۹,۹۷۷,۷	۱۰۶,۲۰۰,۰	۱۲۴,۶۷۴,۳	۱۴۵,۰۵۵,۵	۱۷۱,۰۹۱,۲	۲۰۹,۶۶۶,۶	۲۵۵,۳۳۵,۸	۴۲۱,۴۷۷,۳



جدول ۷- متوسط تعداد افراد خانوارها (بعد) شهری دهک‌های هزینه‌ای بین سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۷۴

سال	خانوار دهک اول	خانوار دهک دوم	خانوار دهک سوم	خانوار دهک چهارم	خانوار دهک پنجم	خانوار دهک ششم	خانوار دهک هفتم	خانوار دهک هشتم	خانوار دهک نهم	خانوار دهک دهم
۱۳۷۴	۳.۲	۴.۴	۴.۸	۵.۱	۵.۱۹	۵.۳	۵.۴	۵.۵	۵.۶	۵.۵
۱۳۷۵	۳.۰۸	۴.۳۵	۴.۶۵	۴.۸۵	۴.۹۱	۵.۲۲	۵.۲	۵.۲۸	۵.۲۸	۵.۲۲
۱۳۷۶	۳.۲۳	۴.۳۳	۴.۷۵	۴.۷۳	۴.۹	۵.۱۳	۵.۱	۵.۲۸	۵.۲۲	۵.۱۱
۱۳۷۷	۳.۱۷	۴.۲۴	۴.۵۵	۴.۸	۴.۹۳	۵	۵.۱	۵.۱۵	۵.۲۳	۴.۹۶
۱۳۷۸	۳.۱۸	۴.۲۴	۴.۵۶	۴.۷۲	۴.۹۹	۵.۰۶	۵.۱۲	۵.۲۶	۵.۲۰	۵.۲۰
۱۳۷۹	۳.۰۵	۳.۷۱	۴.۲۸	۴.۵۶	۴.۷۲	۴.۷	۴.۹۳	۴.۹۶	۵.۰۱	۴.۹۳
۱۳۸۰	۲.۹۵	۴	۴.۱۸	۴.۲۷	۴.۵۹	۴.۷۲	۴.۸۲	۴.۹۳	۵.۰۸	۴.۹۲
۱۳۸۱	۳.۲۳	۳.۸۷	۴.۲	۴.۴۶	۴.۹۹	۴.۶۲	۴.۷۴	۴.۸۲	۴.۸۸	۴.۸۳
۱۳۸۲	۳.۰۸	۳.۹۲	۴.۲۶	۴.۴	۴.۴۷	۴.۶۲	۴.۶۲	۴.۸۵	۴.۹۱	۴.۷۴
۱۳۸۳	۳.۰۸	۳.۷۱	۴.۱۴	۴.۲۶	۴.۵۵	۴.۶	۴.۶	۴.۶۶	۴.۸۱	۴.۶۶
۱۳۸۴	۳.۸۷	۳.۵۸	۳.۸۵	۴.۰۸	۴.۱۳	۴.۲۲	۴.۳۱	۴.۴۷	۴.۴۰	۴.۹۱
۱۳۸۵	۳.۸۶	۳.۶۱	۳.۸۶	۳.۹۷	۳.۹۹	۴.۱۳	۴.۲۴	۴.۲۲	۴.۳۵	۴.۲۱
۱۳۸۶	۳.۱۹	۳.۶۹	۳.۶۵	۳.۸۴	۴	۴.۰۴	۴.۱۲	۴.۱۲	۴.۱۴	۴.۱۱
۱۳۸۷	۳.۸۴	۳.۴۷	۳.۶۲	۳.۹۱	۳.۹۱	۳.۹۸	۴.۱۲	۴.۰۷	۴.۱۲	۴.۲۲
۱۳۸۸	۳.۴۴	۳.۳۵	۳.۶	۳.۷۱	۳.۸۴	۴.۰۴	۳.۹۷	۴	۴.۰۷	۳.۹۲
۱۳۸۹	۳.۸۴	۳.۴	۳.۶۴	۳.۷۳	۳.۶۷	۳.۹۲	۳.۸۶	۳.۹۷	۳.۹۷	۴
۱۳۹۰	۳.۲۸	۳.۲۸	۳.۶۵	۳.۶۵	۳.۸۶	۳.۸۵	۳.۹۴	۳.۹۲	۴.۰۵	۴
۱۳۹۱	۳.۵۱	۳.۲۴	۳.۵۱	۳.۵۱	۳.۷۴	۳.۷۹	۳.۹۱	۳.۹۶	۳.۹۰	۳.۹۸

جدول ۷- متوسط تعداد افراد خانوارها (بعد) شهری دهک‌های هزینه‌ای بین سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۷۴

سال	خانوار دهک اول	خانوار دهک دوم	خانوار دهک سوم	خانوار دهک چهارم	خانوار دهک پنجم	خانوار دهک ششم	خانوار دهک هفتم	خانوار دهک هشتم	خانوار دهک نهم	خانوار دهک دهم
۱۳۷۴	۳.۲	۴.۴	۴.۸	۵.۱	۵.۱۹	۵.۳	۵.۴	۵.۵	۵.۶	۵.۵
۱۳۷۵	۳.۰۸	۴.۳۵	۴.۶۵	۴.۸۵	۴.۹۱	۵.۲۲	۵.۲	۵.۲۸	۵.۲۲	۵.۲۲
۱۳۷۶	۳.۲۳	۴.۳۳	۴.۷۵	۴.۷۳	۴.۹	۵.۱۳	۵.۱	۵.۲۸	۵.۲۲	۵.۱۱
۱۳۷۷	۳.۱۷	۴.۲۴	۴.۵۵	۴.۸	۴.۹۳	۵	۵.۱	۵.۱۵	۵.۲۳	۴.۹۶
۱۳۷۸	۳.۱۸	۴.۲۴	۴.۵۶	۴.۷۲	۴.۹۹	۵.۰۶	۵.۱۲	۵.۲۶	۵.۲۰	۵.۲۰
۱۳۷۹	۳.۰۵	۳.۷۱	۴.۲۸	۴.۵۶	۴.۷۲	۴.۷	۴.۹۳	۴.۹۶	۵.۰۱	۴.۹۳
۱۳۸۰	۲.۹۵	۴	۴.۱۸	۴.۲۷	۴.۵۹	۴.۷۲	۴.۸۲	۴.۹۳	۵.۰۸	۴.۹۲
۱۳۸۱	۳.۲۳	۳.۸۷	۴.۲	۴.۴۶	۴.۹۹	۴.۶۲	۴.۷۴	۴.۸۲	۴.۸۸	۴.۸۳
۱۳۸۲	۳.۰۸	۳.۹۲	۴.۲۶	۴.۴	۴.۴۷	۴.۶۲	۴.۶۲	۴.۸۵	۴.۹۱	۴.۷۴
۱۳۸۳	۳.۰۸	۳.۷۱	۴.۱۴	۴.۲۶	۴.۵۵	۴.۶	۴.۶	۴.۶۶	۴.۸۱	۴.۶۶
۱۳۸۴	۳.۸۷	۳.۵۸	۳.۸۵	۴.۰۸	۴.۱۳	۴.۲۲	۴.۳۱	۴.۴۷	۴.۴۰	۴.۹۱
۱۳۸۵	۳.۸۶	۳.۶۱	۳.۸۶	۳.۹۷	۳.۹۹	۴.۱۳	۴.۲۴	۴.۲۲	۴.۳۵	۴.۲۱
۱۳۸۶	۳.۱۹	۳.۶۹	۳.۶۵	۳.۸۴	۴	۴.۰۴	۴.۱۲	۴.۱۲	۴.۱۴	۴.۱۱
۱۳۸۷	۳.۸۴	۳.۴۷	۳.۶۲	۳.۹۱	۳.۹۱	۳.۹۸	۴.۱۲	۴.۰۷	۴.۱۲	۴.۲۲
۱۳۸۸	۳.۴۴	۳.۳۵	۳.۶	۳.۷۱	۳.۸۴	۴.۰۴	۳.۹۷	۴	۴.۰۷	۳.۹۲
۱۳۸۹	۳.۸۴	۳.۴	۳.۶۴	۳.۷۳	۳.۶۷	۳.۹۲	۳.۸۶	۳.۹۷	۳.۹۷	۴
۱۳۹۰	۳.۲۸	۳.۲۸	۳.۶۵	۳.۶۵	۳.۸۶	۳.۸۵	۳.۹۴	۳.۹۲	۴.۰۵	۴
۱۳۹۱	۳.۵۱	۳.۲۴	۳.۵۱	۳.۵۱	۳.۷۴	۳.۷۹	۳.۹۱	۳.۹۶	۳.۹۰	۳.۹۸



جدول ۹- هزینه‌های روزانه هر فرد دهک‌های هزینه‌ای خانوارهای شهری بین سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۷۴ به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰ (رغ)

سال	هزینه‌های دهک اول	هزینه‌های دهک دوم	هزینه‌های دهک سوم	هزینه‌های دهک چهارم	هزینه‌های دهک پنجم	هزینه‌های دهک ششم	هزینه‌های دهک هفتم	هزینه‌های دهک هشتم	هزینه‌های دهک نهم	هزینه‌های دهک دهم
۱۳۷۴	۱۶۳۱۲	۲۱۵۰۴	۲۶۱۱۰	۳۰۱۸۵	۳۵۶۰۷	۴۱۸۲۲	۴۹۰۴۵	۵۸۷۲۷	۷۵۷۳۵	۱۲۸۱۴۶
۱۳۷۵	۱۸۲۵۳	۲۲۹۸۶	۲۸۰۹۵	۳۲۶۱۸	۳۹۴۴۳	۴۴۳۱۹	۵۳۳۰۸	۶۴۰۳۵	۸۲۸۰۹	۱۴۸۷۰۵
۱۳۷۶	۱۸۶۱۵	۲۵۲۴۰	۳۰۵۷۵	۳۶۰۷۱	۴۱۳۳۰	۴۶۳۶۱	۵۴۸۱۶	۶۴۴۴۰	۸۲۹۴۹	۱۵۷۷۴۳
۱۳۷۷	۱۹۷۷۷	۲۵۷۹۵	۳۱۱۲۵	۳۷۲۲۷	۴۲۹۸۱	۵۰۱۶۰	۵۹۱۶۰	۷۰۸۴۷	۹۰۶۶۴	۱۶۸۱۸۹
۱۳۷۸	۲۰۲۸۹	۲۵۶۶۵	۳۱۹۴۶	۳۷۵۵۹	۴۲۰۷۳	۴۸۹۰۸	۵۸۴۷۱	۶۸۲۶۹	۸۵۵۰۱	۱۶۲۷۰۷
۱۳۷۹	۲۰۸۵۶	۲۸۱۹۴	۳۳۵۷۱	۳۹۵۰۴	۴۴۶۳۳	۵۲۴۵۵	۶۰۳۲۱	۷۲۴۶۹	۹۲۱۶۱	۱۸۲۸۲۷
۱۳۸۰	۱۷۵۴۷	۲۸۷۸۸	۳۶۱۸۷	۴۱۵۵۶	۴۸۴۵۶	۵۵۵۷۹	۶۶۳۳۳	۷۷۶۵۰	۹۸۲۳۶	۱۹۸۷۸۸
۱۳۸۱	۲۰۳۷۴	۳۲۴۴۷	۳۸۹۵۵	۴۶۶۷۷	۵۲۶۶۸	۶۰۵۴۴	۶۹۹۱۴	۸۴۱۳۶	۱۰۸۷۷۸	۲۱۰۶۲۵
۱۳۸۲	۲۳۷۸۸	۳۵۲۲۲	۴۱۷۰۶	۴۸۲۶۳	۵۶۱۱۶	۶۴۳۸۵	۷۶۹۴۳	۸۹۲۲۴	۱۱۱۵۵۸	۲۱۲۷۷۰
۱۳۸۳	۲۳۹۶۳	۳۸۴۷۸	۴۴۵۴۷	۵۱۷۸۳	۶۰۹۶۵	۶۸۸۹۲	۸۲۰۰۲	۹۹۲۶۶	۱۲۶۹۵	۲۳۷۵۳۳
۱۳۸۴	۲۶۶۲۷	۴۰۱۶۶	۴۸۱۳۹	۵۵۳۱۶	۶۵۵۵۴	۷۶۰۵۰	۸۸۸۰۹	۱۰۵۲۳۱	۱۴۰۹۹۴	۲۶۰۴۸۸
۱۳۸۵	۲۵۶۴۴	۳۸۰۴۱	۴۶۲۶۴	۵۵۴۸۹	۶۶۲۱۳	۷۷۰۶۸	۸۸۲۱۵	۱۱۳۸۹۷	۱۴۵۰۸۲	۲۷۴۹۵۹
۱۳۸۶	۲۶۳۷۴	۴۰۷۹۳	۵۰۸۴۶	۵۹۰۴۹	۶۸۱۲۷	۸۰۴۳۲	۹۴۳۱۶	۱۱۵۵۵۲	۱۵۱۲۴۹	۲۸۴۰۰۰
۱۳۸۷	۳۰۷۰۳	۴۴۰۵۷	۵۴۴۵۰	۶۱۵۳۵	۷۳۰۸۸	۸۴۶۸۲	۹۷۰۹۳	۱۱۸۸۴۸	۱۵۱۶۹۹	۲۵۹۶۶۰
۱۳۸۸	۳۷۱۲۶	۴۰۶۲۴	۵۲۲۴۷	۶۱۱۲۲	۷۰۷۳۰	۷۹۶۳۳	۹۷۶۸۱	۱۱۷۹۲۱	۱۴۹۳۳۲	۲۵۹۴۹۰
۱۳۸۹	۳۸۰۹۶	۴۴۰۸۸	۵۳۸۹۵	۶۳۴۴۱	۷۵۰۷۸	۸۳۰۶۴	۹۹۷۳۶	۱۱۷۶۳۲	۱۵۲۱۹۷	۲۶۸۰۴۷
۱۳۹۰	۳۷۵۲۴	۴۷۱۳۷	۵۵۲۸۶	۶۴۶۹۵	۷۱۵۹۹	۸۴۳۷۶	۹۶۶۲۷	۱۱۵۳۱۰	۱۴۰۳۵۸	۲۲۸۳۰۰
۱۳۹۱	۳۵۰۲۵	۴۶۲۶۶	۵۳۵۱۴	۶۱۹۱۵	۶۹۹۶۳	۸۰۷۴۲	۹۱۸۲۶	۱۰۸۴۷۱	۱۳۷۷۳۰	۲۲۷۵۳۰

